

مطالعه‌ای مقدماتی دربارهٔ پراکندگی جغرافیایی
«نقابۀ الطالیین»

در پی درک و فهمی از پراکندگی و گسترش اولیهٔ سیدها

**A preliminary study on the Diffusion of the *Niqāba al-Ṭalībīyīn*:
Towards an Understanding of the Early Dispersal of *Sayyids***

دکتر کازونو موریموتو*

ترجمۀ محمدحسین حیدریان**

در هی‌دهمی سو کوروکی (ویراستار)
«تأثیر کوچ و تحرک انسانی در جوامع مسلمان»
لندن، نیویورک، بحرین: کگان پل، ۲۰۰۳
(مطالعات حوزهٔ اسلامی؛ ۴)

in Hidemitsu KUROKI ed.

The Influence of Human Mobility in Muslim Societies.

London, New York, Bahrain: Kegan Paul. 2003.

(Islamic Area Studies; 4)

E-mail: morikazu@ioc.u-tokyo.ac.jp

E-mail: neestdegar@yahoo.com

*. دانشمار مؤسسۀ شرق‌شناسی: دانشگاه توکیو.

**. دکترای زبان و ادبیات فارسی.

چکیده

دانش ما دربارهٔ سیدها از هر نظر اندک است، از پراکندگی آنها، چگونگی درک و دریافت مسلمانان از حرمت و قداست آنها گرفته تا تأثیرات سکونت آنها در سراسر جهان اسلام. نقیب‌ها در مناطق خاصی ریاست سیدها را بر عهده داشتند. هدف از این نهاد اجتناب از شریطی بود که سیدها تحت نظارت مستقیم غیر سیدها قرار گیرند. پس از پژوهش‌های گوناگون، پراکندگی این نهاد از نیمهٔ دوم قرن نهم به بعد تشخیص داده شده است و پیگیری چگونگی اشاعهٔ آن کمک خواهد کرد تا درک و دریافت بهتری از روند پراکندگی سیدها صورت گیرد. طی این مطالعات فهرستی از نقیب‌های اولیه در مناطق مختلف تهیه گردیده است.

کلیدواژه: نقابة الطالبین، سیدها، فهرست نقیب‌های اولیه، نقیب هاشمی، نقیب طالبی.

مقدمه

از موارد مهم کوچ و تحرک انسانی در تاریخ جوامع اسلامی که نادیده گرفته شده، مربوط به منسوبین به حضرت محمد (ص) است، یعنی سیدها یا شریف‌ها.^۱ پراکندگی و گسترش آنها پدیده‌ای شگفت‌انگیز است: سیدها در زمانی بیش از چهارده قرن از حجاز در سراسر جهان پهناور اسلامی پراکنده شدند، و با این حال، آنها اصل و نسب خود را به خود پیامبر برمی‌گردانند. چنین پیداست که سیدها با برخورداری از نسب مشترک و افتخار به قرابت و خویشاوندی با محمد (ص)، علی (ع) و دیگر چهره‌های مهم در تاریخ اسلام، تاحدودی گرایش عام به پذیرش و حمایت از تفسیر خاصی از اسلام داشته‌اند، همچون فرقه‌های گوناگون شیعه، یا به عبارت کلی‌تر، «اهل البیت» گرایی.^۲ چنین نگرش‌هایی می‌بایست بر شکل‌گیری جوامع مختلف مسلمان تأثیر نهاده باشد، چرا که سیدها اغلب همچون افراد نمونه مورد تعظیم و تکریم مسلمانان بودند. اهمیت نسبت سیدی در آنجا که تلاش برای فهم تقدس، جوانمردی و بسیاری از دیگر مفاهیم اساسی در یک زمینهٔ اسلامی صورت می‌گیرد نیز آشکار می‌گردد.

اخیراً تلاش برای روشن ساختن مسائل دربارهٔ سیدها صورت گرفته است. در مارچ ۱۹۹۸ م، همایشی تحت عنوان «گردهمایی بین المللی دربارهٔ نقش سیدها / اشراف در تاریخ و تمدن اسلامی» برگزار گردید.^۳ اما این همایش امکان چندانی فراهم نیاورد تا پژوهشگران بتوانند یافته‌های خود را به عنوان آغازی برای موضوع «سید و

شریف‌شناسی» ترکیب و تلفیق کرده و شناخت جامعی از سیدها به دست آورند. در واقع، دانش ما دربارهٔ سیدها از هر نظر بسیار اندک است، از پراکندگی آنها و چگونگی درک و دریافت مسلمانان از حرمت و قداست آنها گرفته تا تأثیرات سکونت آنها در سراسر جهان اسلام.^۴

برپایهٔ شناخت فوق، هدف از این مطالعه کمک به شرح و تبیین چگونگی روند پراکندگی و گسترش سکونت سیدها با پیگیری تأسیس و اشاعهٔ اولیهٔ نهاد نقیبی طالبی‌ها (نقابۃ الطالبین)، از طریق جستجو در آثار تبارشناسی اولیه است.^۵ نقیب‌ها در مناطق خاصی ریاست سیدها را بر عهده داشتند. همان‌طور که الماوردی (۹۷۴-۱۰۵۸ م) در کتاب الاحکام السلطانیة می‌گوید، هدف از این نهاد اجتناب از شرایطی بود که سیدها تحت نظارت مستقیم غیر سیدها قرار گیرند، یعنی کسانی که از نظر شأن، فروتر از آنها انگاشته می‌شدند.^۶ می‌توان گفت که به واسطهٔ کارکردهای مختلف، نهاد نقیبی گونه‌ای از استقلال و آزادی عمل را در چهارچوب سازمان سیاسی حکومت اسلامی برای سیدها تضمین می‌کرد.^۷

کاملاً روشن است زمانی که الماوردی کتاب الاحکام را نوشت، طالبی‌ها تنها گروه مهم از منسوبان بودند که جدا از عباسیان، خاندان خلافت، از نهاد نقیبی خاص خود برخوردار بودند.^۸ پژوهشگرانی که دورهٔ اسلامی در قرون وسطی را مطالعه می‌کنند نیز می‌دانند که الشریف المرتضی (متوفی ۱۰۴۴-۱۰۴۵ م) و الشریف الرضی (متوفی ۱۰۱۶ م)، دو برادر از چهره‌های شاخص در حوزهٔ فرهنگی روزگار آل بویه در بغداد، هر دو از نقیب‌های طالبی‌ها بودند. با این حال، تا آنجا که به شکل‌گیری و اشاعهٔ اولیهٔ این نهاد مربوط می‌شود، اطلاعات مکتوب در این باره نیز تاکنون ناچیز و کم ارزش بوده است.

زمینه و پیشینهٔ موضوع

شکل‌گیری و اشاعهٔ نهاد نقیبی «تاکنون مورد توجه شایستهٔ پژوهشگران قرار نگرفته است.»^۹ با این حال، پژوهشگران دینی، هم غربی و هم در میان مسلمانان (عمدتاً شیعیان دوازده امامی)، دیدگاه‌های خود را، هرچند گذرا، در این باره عرضه کرده‌اند. در میان پژوهشگران غربی، این نظریه که در ابتدا یک نهاد نقیبی بر همهٔ سلالهٔ هاشمیان (مربک از عباسیان و طالبی‌ها) نظارت داشت و سپس هر کدام از این دو

شاخه، مقامی مستقل برای خود در نظر گرفت، نافذتر بوده است. این دیدگاه را اولین بار آدام متز مطرح ساخت. او دریافت که در سال ۳۰۱ ق / ۹۱۴ م) یک عباسی به نام ابن طومار در هنگام مرگ، «مقام نقیبی هاشمیان، هم عباسیان و هم طالبی‌ها (نقیب بنی هاشم العباسیین و الطالیین)» را بر عهده داشت و پسرش جانشین وی گشت؛ و هم او چنین می‌انگارد که انشعاب این نهاد در اواخر قرن دهم رخ داده باشد. وان اردانک نیز از همین یافته استفاده کرد و نوشت که هاشمیان «از ابتدا احتمالاً تحت نظارت یک مارشال [= نقیب] بوده‌اند.»^{۱۰}

متز زمان شکل‌گیری این نهاد را به‌طور مبهم در قرن دهم می‌انگاشت. ماسینیون، تنها پژوهشگری است که تاریخی دقیق برای این امر ارائه می‌دهد. او نوشت که این نهاد در سال ۳۰۵ ه. ق / ۹۱۷-۹۱۸) به ابتکار ابن فرات شکل گرفت.^{۱۱} یافته‌های دیگر پژوهشگران نیز در این مورد مبهم بوده است. وان اردانک گمان می‌کرد که در ربع سوم قرن نهم نهاد نقیبی در شهرهای بزرگ وجود داشت و اینکه در آن هنگام نقیب‌ها تحت نظارت یک نقیب بزرگ قرار داشتند. اما به نظر می‌رسد که منظور او از نهاد نقیبی در اینجا همان نهاد نقیبی هاشمیان باشد قبل از انشعاب ادعاشده آن.^{۱۲} دیدگاه فون کرامر مبنی بر اینکه این نهاد قبلاً در دوره اموی وجود داشته است، به دلیل اشکالاتی در منابع مورد استفاده او رد شده است.^{۱۳} برخی از پژوهشگران قاطعانه از اصل و اساس وابسته به آل بویه در این نهاد سخن گفته‌اند، اما ظاهراً اینها هم شکل‌گیری این نهاد «حامی علویان» را به سادگی از استقرار قدرت «شیعی» در بغداد استنباط کرده‌اند.^{۱۴}

در اینجا باید نکته‌ای خاص درباره کار وان اردانک بگویم، زیرا پس از این برای بحث و استدلال من مفید خواهد بود. او دریافت که یک شخص غیر طالبی، عمر بن فرج الرخجی در سال ۲۵۰ ه. ق (۸۶۴-۸۶۵ م) نظارت و اداره امور طالبی‌ها را عهده دار بود، و اینکه المسعودی گفته است که سپس یک طالبی به نام الجمانی در همان سال نقیب کوفه بوده است.^{۱۵}

نظر وان اردانک درباره اشاعه و پراکندگی این نهاد، که آن را بسیار کلی طرح کرده، در بالا ذکر شده است.^{۱۶} پژوهشگران دیگری نیز مناطقی را که نقیب‌ها در آنجا یافت شده‌اند بر شمرده‌اند. متز فهرست واسط، کوفه، بصره، و اهواز را آورده است. در نسخه بازبینی شده مقاله وان اردانک، گراهام بغداد و نیشابور را نیز به عنوان مناطقی در اواخر قرن نهم همچون مصر فاطمیون ارائه داد.^{۱۷}

برخورد پژوهشگران دینی مسلمان به این مطلب عموماً بر پایهٔ دو خبر بوده است، یک خبر حکایت از آن دارد که مقام نقیبی در سال ۲۵۱ ق (۸۶۵-۸۶۶ م) توسط خلیفه المستعین (حکومت ۸۶۲-۸۶۶ م) به تقاضای الحسین بن احمد بن عمر، برادرزادهٔ یحیی بن عمر (وفات ۲۵۰ ق / ۸۶۴-۸۶۵)، شورشی مشهور، تأسیس شد. شخص اخیر به دلیل توهین یکی از مأموران حکومت عباسی نسبت به وی شورش کرد و کشته شد. چنین گفته شده که برادرزادهٔ شخص شورشی از خلیفه تقاضا کرد تا با تأسیس نهاد نقیبی از چنین پیشامدهای غم‌انگیز در آینده جلوگیری کند. خبر دیگر نیز حاکی از آن است که تأسیس نهاد نقیبی به خلیفه المعتضد (حکومت ۸۹۲-۹۰۲ م) باز می‌گردد.^{۱۸}

رویکرد کلی پژوهشگران مسلمان آن است که یکی یا هر دو خبر را بدون ارزیابی موشکافانهٔ صحت آنها ارائه کنند. ظاهراً القاسمی، کمونه الحسینی و المرعشی النجفی اولین خبر را به عنوان خبری کاملاً موثق پذیرفته‌اند.^{۱۹} مدرّسی طباطبایی هر دو خبر را نقل کرده ولی فضای بیشتری را برای ارائهٔ خبر اول اختصاص داده است، بدون آنکه نتیجهٔ مشخصی گرفته باشد.^{۲۰} رفیعی نیز هر دو خبر را به‌اضافهٔ نظریهٔ اصل و اساس بویه‌ای ذکر کرده، ولی با گفتن اینکه اطلاعات دربارهٔ تأسیس این نهاد بسیار مغشوش است، از قضاوت در صحت آنها خودداری کرده است.^{۲۱}

در میان پژوهشگران دینی مسلمان، مدرّسی تنها کسی است که به گسترش این نهاد توجه کرده است. او گفته است که نام نقیب‌های چندین شهر در ایران را که از اواخر قرن سوم تا اوایل قرن چهارم هجری، یعنی در همان اوائل قرن دهم، فعالیت داشتند می‌توان در منابع اولیه یافت.^{۲۲} به اثر کمونه، موارد الاثحاف، که فهرستی از نقیب‌های مناطق مختلف است هم باید اشاره کرد. گرچه این اثر تا حدود زیادی غیرتحلیلی و غیرعلمی است، اما چشم‌انداز خوبی از توزیع و پراکندگی این نهاد فراهم می‌آورد.^{۲۳}

علاوه بر پژوهشگران مذکور، نویسندهٔ این مقاله نیز از زاویه‌ای دیگر به این مسئله پرداخته است. در یک مطالعهٔ پیشین که به دانش تبارشناسی طالبی‌ها (علم انساب الطالبیّة) مربوط می‌شد، دریافتیم که این دانش همچون شاخه‌ای از علم تبارشناسی در نیمهٔ دوم قرن نهم پدید آمد و در طول قرن دهم و یازدهم با گردآوری و مقابله و تطبیق اخبار محلی مختلف پیشرفت کرد. به دنبال یافتن زمینهٔ اجتماعی این پدیده، متوجه شدم که نهاد نقیبی که کارکردهای اصلی آن نظارت بر امور تبار و دودمان را نیز در بر می‌گرفت، با بیشترین احتمال در نیمهٔ دوم قرن نهم به وجود آمده و تا اواسط قرن دهم به

طور گسترده‌ای اشاعه یافته بود. بنابراین، در این مسئله یک گسترش همزمان، همچنان که یک همراهی و همکاری نزدیک، بین دانش تبارشناسی‌های طالبی‌ها و نهاد نقیبی را پیگیری کردم.

سپس استدلال کردم که همراهی و همکاری دانش تازه پدیده‌آمده تبارشناسی طالبی‌ها با نهاد نقیبی منجر به شکل‌گیری شبکه وسیع نظارت بر سیدها گردید. به نظر من، این شبکه نظارت تبارشناختی ابزاری اجتماعی بود برای حفظ یکپارچگی و انسجام سیدها که به‌طور گسترده‌ای پراکنده شده بودند. تنها چنین مرجعیت فرمانطقه‌ای می‌توانست برای سیدهایی که در جوامع و مناطق مختلف ریشه زده بودند صحت انتساب مطمئنی فراهم آورد.

بر پایه استدلال‌های فوق، از آن مطالعه چنین فرضیه‌ای را نتیجه گرفتم که پراکندگی وسیع سیدها و اقامت آنها در مناطق مختلف به‌طور جدی در این دوره آغاز شد، یعنی از نیمه دوم قرن نهم به بعد. اما در آن مطالعه که تمرکز بر دانش تبارشناسی طالبی‌ها بود، توانایی بحث مستوفی درباره شکل‌گیری و پراکندگی نهاد نقیبی نداشتم؛ کاری که باید در این مقاله انجام گیرد.^{۲۴}

در مجموع، درک و دریافت مشترک اما مبهم هر دو گروه پژوهشگران غربی و مسلمان در زمان حاضر عبارت از این است که به وجود آمدن نهاد نقیبی و گسترش آن در زمانی بین قرن نهم و دهم بوده است. دو نکته خاص هم توجه ما را به خود معطوف می‌دارد: «نظریه تقسیم» و صحت اخبار ذکر شده. استدلال من در مطالعه پیشین نیز پیش از این بیان شد.

در اینجا همه این دیدگاه‌ها باید مورد ارزیابی قرار گیرند، چرا که همه آنها مبتنی بر اشاره‌های اندک و نارسایی هستند که به‌طور اتفاقی و جسته گریخته در منابع گوناگون یافت شده‌اند، نه بر پایه جستجو و بررسی‌های روشمند. در آنچه به دنبال می‌آید، تلاش بر این بوده است تا همه این نظریه‌ها بر پایه کاوشی روشمند در آثار تبارشناسی اولیه درباره طالبی‌ها مورد آزمون قرار گیرند.

بر پایه دیدگاه من که در بالا ذکر شد، همچنان که نهاد نقیبی وسیله‌ای بود که نقشی اساسی در روند اقامت گسترده سیدها بازی می‌کرد، پیگیری چگونگی اشاعه آن کمک خواهد کرد تا درک و دریافت بهتری از روند پراکندگی سیدها صورت گیرد.

منابع

منابع اصلی که در این مطالعه استفاده شده آثار تبارشناسی اولیه درباره تبار طالبی‌هاست که پیش از حمله مغول تألیف شده‌اند.^{۲۵} آثار تبارشناسی به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد آنها، بدون هیچ تردیدی، مفیدترین گونه منابع را برای مطالعه این موضوع تشکیل می‌دهند.^{۲۶}

اولین مزیت این گونه منابع زمینه اجتماعی‌ای است که این آثار در آن پدید آمده‌اند. آن‌چنان‌که در بالا گفته شد، این آثار تبارشناسی در زمینه‌ای اجتماعی پدید آمده‌اند که نقیب‌ها در آن زمینه عمیقاً ریشه داشتند. این آثار تبارشناسی اغلب توسط نسب‌شناسانی تألیف می‌شد که قصد کمک به نقیب‌ها برای ایفای وظایفشان را داشتند.^{۲۷} نتیجه این امر آن است که اگرچه هرکدام از این آثار ویژگی‌های خود را داراست، مؤلفان چنین آثاری تمایل بر آن داشتند که اهمیت فراوانی برای ثبت و ضبط هویت نقیب‌ها قائل شوند. کتاب لباب که بخش ویژه‌ای را به فهرست نقیب‌های مناطق گوناگون اختصاص داده، نمونه‌ای خاص از این شیوه تألیف است.^{۲۸}

دیگر ویژگی مهم این نوع آثار عبارت از آن است که مؤلف چنین آثاری شبکه وسیعی از اطلاعات را به کار می‌گرفت. پیش از این نشان داده‌ام که دانش تبارشناسی طالبی‌ها گستره‌ای تقریباً از ترکستان غربی تا مصر را در بر می‌گرفت.^{۲۹} چنین گستره‌ای به ما امکان می‌دهد تا اشاعه مقام نقیبی را در منطقه‌ای بسیار گسترده دنبال کنیم.

با این حال، جستجو بر پایه این گونه منابع نیز محدودیت‌های خاص خود را دارد. به عنوان نمونه، حوزه‌های قضایی که در این منابع از آنها سخن می‌رود، تنها مواردی نیستند که وجود داشته‌اند. غیرمنطقی است که فرض شود تبارشناسان همه حوزه‌های قضایی را که از آنها آگاهی داشتند در این آثار آورده باشند. به علاوه، توزیع ناموزون مکان‌هایی که این آثار در آنجا تألیف شده‌اند مطمئناً دامنه اطلاعات ارائه شده را محدود می‌سازد. سه اثر از هفت اثر تبارشناسی که در این مطالعه از آنها استفاده شده است در عراق تألیف شده‌اند، یعنی مرکز شبکه اطلاعات دانش تبارشناسی طالبی‌ها؛ در حالی که سه اثر دیگر از خراسان و آخری هم از اصفهان نشئت گرفته‌اند. در اینجا شایسته است به جغرافیای محلی لباب نیز اشاره شود. کانون خراسانی این اثر که در سبزوار (بیهق) تألیف شده، به راحتی هویدا است. این کتاب نه تنها گزارشی مفصل از تبارشناسی خاندان‌های نقیب‌ها در سبزوار و نیشابور ارائه می‌دهد، بلکه شامل اطلاعاتی است

درباره بسیاری از حوزه‌های قضایی خراسان که در دیگر متون ذکری از آنها نرفته است. چنین اطلاعاتی بسیار ارزشمند است، چرا که به ما می‌گوید بسیاری از حوزه‌های قضایی در خارج از خراسان به دلیل فقدان منابع متمرکز بر مناطق خاصی، همانند لباب، از دسترس دانش و آگاهی ما به دور مانده‌اند. بعداً دوباره به مسئله ناهمسازی جغرافیایی این منابع باز خواهیم گشت.

محدودیت بعدی آن است که نمی‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم که اولین نقیب ذکر شده، وابسته به یک حوزه قضایی خاص در این منابع، واقعاً همان اولین نقیب بوده باشد. مثلاً، آثار تبارشناسی می‌گویند که جعفر بن محمد بن احمد (سلسله نسب محذوف است) اولین نقیب در حلب بود (نگاه کنید به فهرست ضمیمه). اما بر پایه منبع دیگری، پدر او محمد، که در آثار تبارشناسی نامی از او به عنوان نقیب برده نشده است، نیز یک نقیب بود.^{۳۰} چنین تناقضاتی بین گونه‌های منبع مختلف یا در یک گونه منبع واحد، عادی است و برای تمییز و تشخیص آنچه به حقیقت نزدیکتر است باید به دنبال گردآوری شواهد اثباتی از منابع مختلف بود. این کار نیز وظیفه مرحله بعدی پژوهش است. در اینجا، درباره یک ویژگی کلی چنین آثار تبارشناسی نظری ارائه می‌گردد که برای مطالعات آینده مناسب است. در چنین آثاری معمول است که پس از یک توصیف جامع و مفصل از تبارشناسی تا به یک نسل خاص، نویسنده با جهشی به جلو به معرفی چهره‌های برجسته در میان نسل‌های بعدی می‌پردازد؛ چهره‌هایی که به آخرین نسل در آن توصیف جامع باز می‌گردد. بنابراین، هرچه به نسل‌های پسین‌تر توجه گردد، موارد غیرمنتظره بیشتری را باید در منابع انتظار داشت. نسلی که چنین توصیف‌های جامعی از آن می‌شود، نه در یک اثر و نه در آثار مختلف، به هیچ روی از یکدستی و یکپارچگی برخوردار نیست. با این حال، بر پایه جستجوی من که در پایین نشان داده شده، نقیب‌های پیشین به هفتمین و هشتمین نسل وابسته بودند و این دو نسل معمولاً در چنین توصیف‌های جامعی لحاظ شده‌اند.

در اینجا، دوباره لباب، توضیح بیشتری می‌طلبد. چنین به نظر می‌رسد که ابن فندق، مؤلف این اثر، زمانی که بخش ویژه‌ای را به شمارش نقیب‌ها اختصاص داده، قصد معرفی نقیب‌های معاصر خود یا دست‌کم نزدیک به زمان خود را داشته است، نه ارائه فهرستی از نقیب‌های پی‌درپی در یک حوزه قضایی خاص را. بنابراین مخاطره‌آمیز خواهد بود اگر برای تعیین نقیب‌های اولیه وابسته به حوزه‌های قضایی، که فقط در این

متن ذکری از آنها رفته است، به لباب تکیه کرد؛ مگر اینکه شواهد اثباتی به دست آید. نام این نقیب‌ها در فهرستی که به پیوست آمده، برای استفاده در مطالعات آینده آورده شده است.

سومین محدودیت ممکن به معنای واژه نقیب مربوط می‌شود که در این منابع آمده است. مثلاً نمی‌توانیم مطمئن باشیم نهاد نقیبی در مکان‌هایی که تحت اداره طالبی‌ها بوده است (مانند مولتان، طبرستان و مکه) همان معنا را داشته باشد که این واژه در مناطق تحت حکومت عباسیان، یا سلسله‌های فرمانروایی محلی که دست‌کم اسماً تابع آنها بودند، داشته است. این پرسش دیگری است که تنها پس از مطالعات بیشتر در آینده می‌توان به آن پاسخ داد.

آخرین محدودیتی که باید ذکر کرد، برخلاف آنچه در بالا گفته شد، عبارت از محدودیت جغرافیایی موجود در این‌گونه منابع است. چنان‌که پیش از این گفته شد، سنت علمی‌ای که این متن‌ها را فراهم آورده، فقط از ترکستان غرب تا مصر را شامل می‌شده است. می‌دانیم که نهاد نقیبی در عرصه‌ای گسترده‌تر از این اشاعه داشته است، ولی در حال حاضر نمی‌توانیم اشاعه آن را در ورای مرزهای مذکور دنبال کنیم.^{۳۱} اما چون بر پایه مطالعات پیشین روشن است که نهاد نقیبی در حیطه‌ای پا به عرصه وجود گذاشت که زیر پوشش منابع ماست، چنین محدودیتی نمی‌تواند نتیجه‌گیری جستجو و پژوهش به دنبال آمده درباره بنیاد و اشاعه اولیه این نهاد را تحت الشعاع خود قرار دهد. ادبیات تبارشناختی طالبی‌ها بدون تردید بهترین گونه از منابعی است که بر پایه آنها بنیاد و اشاعه اولیه نهاد نقیبی مطالعه می‌شود. این نکته قطعی است که هیچ‌گونه منبع دیگری نمی‌تواند جانشین آن ادبیات شود. با این وصف، طبیعی است که اطلاعات به دست آمده از آن ادبیات را نتوان کامل پنداشت. درجه جامعیت آن اطلاعات را تنها زمانی می‌توان روشن ساخت که جستجو در دیگر منابع، همچون تاریخ‌های محلی، طبقات‌ها یا وقایع‌نگارهای تاریخی نیز انجام گیرد. چنین مطالعات اثباتی و تأییدکننده احتمالاً به دلیل فقدان علاقه و توجه مؤلفان این‌گونه منابع به نهاد نقیبی و تحریف یا حذف مطالب تبارشناختی در متون غیرتبارشناس دارای مشکلات قابل ملاحظه‌ای هم خواهد بود. این مشکل اخیر اغلب موجب عدم امکان تعیین هویت چهره‌ها در مطالب و منابع مختلف خواهد شد. با این حال، هنوز امیدوارم که این پژوهش ترغیبی باشد برای این‌گونه مطالعات در آینده.

روش کار

ابتدا یک فهرست از افرادی که در آثار تبارشناسی به عنوان نقیب معرفی شده‌اند تهیه کردم؛ کلاً چهارصد و هشتاد و پنج نفر.^{۳۲} از این افراد، بر پایه شماره نسل آنها و دیگر اطلاعات مناسب، اولین افراد مربوط به هر حوزه قضایی را انتخاب کردم.^{۳۳} هر جا که ضروری می‌نمود، چندین نفر را در نظر گرفتم. در نتیجه، صد و پنجاه و دو نفر از نود و شش حوزه قضایی مختلف انتخاب شدند.^{۳۴}

سپس تلاش کردم تا صحت اشاره‌ها در یک منبع یا منابع خاص به یک شخص خاص به عنوان نقیب را بررسی نموده و ببینم که آیا واقعاً می‌توان به آنها اعتماد کرد. به این منظور، گزارش‌هایی را بررسی کردم که درباره هر فرد مورد نظر در کتب سر، تهذیب، مجدی، شجرة و فخری آمده و در آنها تبارشناسی‌ها به نثر منظم (به شکل مبسوط) ارائه شده است و این امر امکان جستجو درباره افراد را آسانتر می‌ساخت.^{۳۵} در نتیجه این جستجو و ارزیابی روشن شد که ده تن از آن افراد درواقع نقیب نبودند. در پنجاه و یک مورد نیز مجبور شدم به دلیل فقدان اطلاعات مربوط، چه در تأیید و چه در نقض، در دیگر منابع، به اطلاعات موجود تنها در یک منبع اکتفا و اعتماد کنم.

متأسفانه، در این آثار تبارشناسی زمان زندگی نقیب‌ها معمولاً ذکر نشده است، بنابراین در اینجا نیز مجبور بودم در بسیاری موارد بر پایه اطلاعات مربوط به بستگان و خویشاوندان آنها، زمان زندگی خودشان را تخمین بزنم.^{۳۶}

برای این کار یک پایه اطلاعاتی از افراد طالبی که دوره زندگانی آنها مشخص بود تهیه کردم. با استفاده از سر، مجدی، شجرة، فخری و کتاب مقاتل الطالبيين از ابوالفرج اصفهانی، همه تبارشناسی‌ها و اطلاعات مربوط به این افراد را به کار گرفتم.^{۳۷} تعداد افرادی که به این ترتیب به دست آمد ششصد و هفتاد و شش نفر شد.^{۳۸}

همان‌گونه که می‌توان انتظار داشت، نوع اطلاعات به دست آمده از هم متفاوت بود؛ بیش از همه، اطلاعات مربوط به زمان تولد و مرگ افراد. آنگاه تصمیم گرفتم با گمانه‌زنی درباره دوره شکوفایی زندگی این افراد، اطلاعات به دست آمده را یکدست و طبقه‌بندی کنم. فرض من بر این بود که هر فرد در دوره شکوفایی زندگی خود چهل ساله بوده است و بیست و پنج سال پس از آن در سن شصت و پنج سالگی می‌میرد.^{۳۹} بنابراین، به عنوان مثال، وقتی درمی‌یافتم که شخصی در سال ۲۶۵ ه. وفات کرده، چنین می‌انگاشتم که او در سال ۲۴۰ ه. چهل ساله بوده است. وقتی درباره شخصی چنین نقل

شده بود که وی کشته یا ترور شده است، زمان این واقعه را هنگام شکوفایی عمر او یعنی چهل سالگی در نظر می‌گرفتم. در مواردی هم که نقل می‌شد کسی در دورهٔ حکومت یک خلیفهٔ معین به شکوفایی عمر خود رسیده است، نیمهٔ حکومت آن خلیفه را به عنوان چهل سالگی عمر او تلقی می‌کردم. وقتی هم که دورهٔ این حکومت خیلی طولانی بود، مثلاً پنجاه سال، از این شکل اطلاعات مربوط به دورهٔ حکومت‌ها صرف‌نظر می‌کردم.

بر پایهٔ این داده‌ها، به جستجو دربارهٔ نزدیکترین بستگان و خویشاوندان هر نقیب، که تاریخ زندگی آنها مشخص بود، پرداختم تا از این راه، به تاریخ زندگی خود آن نقیب دست یابم. این جستجو تا آنجا ادامه می‌یافت که تعداد خویشاوندان به پنج نفر می‌رسید یا سلسلهٔ قرابت از هفت می‌گذشت.

با این حال، برای تخمین زدن بر پایهٔ این داده‌ها، نیاز به دانستن نکتهٔ دیگری هم بود، یعنی میانگین طول عمر طالبی‌ها. با اتخاذ شیوهٔ بعدی به این نکته نیز دست یافتیم. در کتاب مجدی، تألیف ابوالحسن العُمَری در سال ۴۴۳ هـ / ۱۰۵۱-۱۰۵۲ م که احتمالاً در حدود ۴۶۰ هـ / ۱۰۶۷-۱۰۶۸ م فوت کرده و متعلق به نسل دوازدهم بوده،^{۴۰} اشاره به افرادی شده است که معاصر مؤلف بوده‌اند. اشاره به آن افراد با عباراتی است مانند «دوستم (صدیقی)»، «او را ملاقات کردم (رأیتُهُ)»، «[مقیم در مکانی خاص] امروز (اليوم)»، و غیره. تعداد این افراد که متعلق به نسل‌های مختلف هستند چنین است:

نسل	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	سیزدهم	چهاردهم
بسامد	۴۱	۰	۳	۱۶	۳۲	۳۹	۱۷	۷

بدین ترتیب، میانگین شمارهٔ نسلی عبارت است از ۱۱/۶. اگر فرض شود که این افراد در سال ۴۲۰ هـ / ۱۰۲۹-۱۰۳۰ م به چهل سالگی عمر خود رسیده باشند، که این کار را به دلیل فقدان اطلاعات دقیق دربارهٔ بسیاری از آنها می‌کنم، و علی‌هم‌که جدّ مشترک آنهاست (نسل شمارهٔ ۵)،^{۴۲} در سال ۱۷ هـ / ۶۳۸-۶۳۹ م (چهل سالگی) به کمال عمر خود رسیده باشد، میانگین طول عمر یک نسل در حدود ۳۵ سال قمری می‌شود. این رقم تقریباً با محاسبهٔ بولت و آنچه ابن خلدون در المقدمة می‌گوید، سازگار می‌افتد.^{۴۳}

به این ترتیب، دورهٔ زندگی نقیب‌ها را با افزودن یا کاستن مضربی از سی و پنج به

تاریخ زندگی خویشاوندان مختلف، بر پایه فاصله نسل‌های متوالی، تخمین زدم. سپس آن تخمین و تقریب‌ها را چنین ترکیب کردم: نخست ارزش نسبی نتایج مختلف را بر پایه سلسله نسب تعیین کردم، سپس میانگینی از این تخمین و تقریب‌ها به دست آوردم. به این سان، اگر دوره زندگی نقیب الف بر پایه دوره زندگی پدرش ۴۲۰ هـ. و بر پایه زندگی پدر بزرگش ۴۵۰ هـ. تخمین زده شود، آنگاه تخمین نهایی $430 = (420 + 450) / 2$ خواهد بود؛ زیرا پدرش در سلسله نسب رتبه اول و پدر بزرگش رتبه دوم را دارد. با ترکیب تخمین و تقریب‌های حاصل از خویشاوندان مختلف، امیدوار بودم که خطاهای ناشی از کاربرد این روش تخمینی در موارد فردی نیز تعدیل و متوازن گردد.^{۴۴}

البته فرضیاتی که این تخمین‌ها بر پایه آنها صورت گرفته است نمی‌توانند دقیق خوانده شوند. به علاوه، باید اشاره کرد که هر چقدر نسلی که یک نقیب به آن تعلق دارد بعدی‌تر باشد، شک و تردید درباره تخمین دوره زندگی او بیشتر می‌شود؛ به این دلیل که تعداد افراد با تاریخ زندگی مشخص در هر نسل پایه پای تعداد طالبی‌ها در همان نسل افزایش نمی‌یابد، بلکه پس از نسل دوازدهم کاهش هم می‌یابند.^{۴۵} به این دلیل، بخت و اقبال یافتن خویشاوندان «نزدیک» نیز به همین میزان کاهش می‌یابد. با این حال، واقعیت چنان است که باید خود را به همین موارد راضی نماییم. مگر اینکه منابعی با دقت و صحت و جامعیت، همچون دفتر parish registers (دفتر ثبت تعمید، ازدواج، تشییع جنازه و غیره در حوزه نظارت یک کلیسا)ی فرانسوی، شومون آراتامه‌چو ژاپنی (گونه‌ای دفتر ثبت آمار جمعیت در دوره ادو در ژاپن) یا دفتر ثبت آمار خانوادگی در دوره جدید یافت شود، وگرنه هرگز نمی‌توان به داده‌ها و اطلاعات ارزشمند، به لحاظ آماری دست یافت. فعلاً باید از آنچه داریم بهترین استفاده را ببریم.

نتیجه

نتیجه جستجو و تحقیق فوق در فهرست و طرح ضمیمه نشان داده شده است. بر پایه این نتیجه، می‌توان گفت که نهاد نقیبی در ربع سوم قرن نهم به وجود آمد. بنا به فرض، تاریخ تخمینی برای اولین نقیب، سال ۲۴۴ هـ. (۸۵۸-۸۵۹ م؛ مدینه)، و به دنبال آن، سال ۲۴۸ هـ. (۸۶۲-۸۶۳ م؛ مدینه)، سال ۲۵۱ هـ. (۸۶۵-۸۶۶ م؛ یمامه) و سال ۲۵۸ هـ. (۸۷۱-۸۷۲ م؛ مصر).^{۴۶} همه این نقیب‌ها به نسل هفتم تعلق دارند، با تاریخ

معیار ۲۶۲ هـ (/ ۸۷۵-۸۷۶ م). حال با در نظر گرفتن این واقعیت که در خلافت المتوکل (۸۴۷-۸۶۱ م) اقدامات سختگیرانه‌ای علیه طالبی‌ها اتخاذ شد، و نیز، بر پایهٔ کشف وان اردنانک، عمر بن فرج الرخّجی در هنگام خلافت او «متولّی امور طالبی‌ها» بود، می‌توان چنین فرض کرد که شکل‌گیری و بنیاد نهاد نقیبی پس از ترور المتوکل در سال ۸۶۱ م بوده است. مورد الرخّجی این موضوع را که پیش از المتوکل هم نقیب‌هایی بوده‌اند، غیر موجه می‌سازد.

با توجه به سیاست خلفای پس از المتوکل نسبت به طالبی‌ها، خلفایی که احتمالاً می‌توانستند دربارهٔ تأسیس چنین نهادی تصمیم بگیرند، عبارت بودند از المنتصر (حکومت ۸۶۱-۸۶۲ م)، المستعین (حکومت ۸۶۲-۸۶۳ م) و المعتضد (حکومت ۸۹۲-۹۰۲ م).^{۴۷} بر پایهٔ قضاوت دربارهٔ دوره‌های تخمینی برای اولین نقیب‌ها، احتمال بیشتر را باید برای دو خلیفهٔ اول قائل شد.

شایستهٔ ذکر اینکه طبرستان و یمامه نیز از مناطقی هستند که در صدر این فهرست قرار دارند.^{۴۸} هر دو منطقه از مکان‌هایی هستند که امارت‌های تازه‌تأسیس طالبی‌ها در آنجا قرار داشت، یعنی علویون طبرستان (۸۶۴-۹۲۸ م) و أخـیـضری‌ها (۸۶۶-۱۰۰۰ م).^{۴۹} به نظر می‌رسد که این واقعیت بیانگر شرایطی باشد که نهاد نقیبی در آن پا گرفت. این نهاد زمانی شکل گرفت که به دلیل ظهور قدرت‌های مستقل طالبی‌ها تغییری در موازنهٔ قدرت بین خلفا و طالبی‌ها پدید آمد. ظاهراً بهتر است چنین تصور کنیم که ابتدا خلفا این نهاد را تأسیس کردند و طالبی‌ها هم بلافاصله از آنها تبعیت کردند؛ زیرا چنین اقدامی، که می‌توان آن را «سیاست خشنودسازی» طالبی‌ها دانست، با خلافت سازگارتر است. با این حال، این امکان همچنان باقی می‌ماند که این امارت‌ها بودند که نخست این نهاد را تأسیس کردند، و سپس خلفا از آنها تقلید کردند. این‌گونه ترکیب و ائتلاف حوزه‌های قضایی نخستین نیز فرض ما را تقویت می‌کند که پس از حکومت المتوکل، یعنی پس از شکل‌گرفتن این امارت‌ها، بود که نهاد نقیبی تأسیس شد. در مورد اشاعهٔ این نهاد نیز نکات بعدی توجه ما را به خود جلب می‌کند. نخست، زمان نسبتاً دیری که برای بغداد تخمین زده شده (۳۰۲ هـ / ۹۱۴-۹۱۵ م)، مهم است. چنین به نظر می‌رسد که در آغاز شکل‌گیری نهاد نقیبی برای طالبی‌ها، این نهاد به بغداد معرفی نشد، و مهم‌ترین نقیب در عراق و کوفه جای داشت. اگر در آن روزها نقیب‌هایی در بغداد بودند، قطعاً آثاری از خود در منابع برجای می‌گذاشتند.^{۵۰} این یافته می‌تواند

مشعر بر این باشد که خلفا مشرب موافق علوی در نهاد نقیبی را خیلی بیشتر از ارزش این نهاد به عنوان وسیله‌ای برای اداره امور طالبی‌ها و نظارت بر آنها احساس می‌کردند، و بنابراین روی خوشی به تأسیس این نهاد در بغداد نشان ندادند.^{۵۱}

باید از کمی حوزه‌های قضایی در سوریه و مصر که فوراً در نقشه ضمیمه جلب توجه می‌کند نیز ذکری به میان آید. در اینجا پرسش این است که آیا این امر بیانگر کمی واقعی این نهاد در مناطق یاد شده است، یا به دلیل ناهمسانی جغرافیایی در منابع در دسترس ما. اما باز هم نمی‌توان پاسخی قطعی به این پرسش داد، مگر اینکه مطالعات بیشتری صورت گیرد. به هر حال، شایسته ذکر است که اعتبار منابع ما که این دو منطقه را لحاظ کرده‌اند، درواقع، بسیار بیشتر از آن است که از خاستگاه و ریشه‌های جغرافیایی آنها انتظار برود. شیخ الشرف، مؤلف تهذیب، و العُمَری، مؤلف مجدی، از راه سوریه از عراق به مصر مسافرت کردند و شخص اخیر کتاب خود را به تقاضای پسر نقیب النقبای مصر تألیف کرد.^{۵۲} در این ارتباط، باید به نقش مهم یک تبارشناس سوری به نام ابوالغنائم الدمشقی اشاره کرد که از او در منتقلة، لباب، شجرة، وفخری نقل قول شده است.^{۵۳}

گستره این نهاد تقریباً تا سال ۳۵۰هـ (/ ۹۶۱-۹۶۲م) کامل شد، به این معنا که دامنه آن به سراسر حوزه‌ای که اطلاعات موثقی درباره آن داریم کشیده شد. گستره این نهاد صرفاً به قلمرو تحت حکومت خلافت عباسی یا امارت‌های طالبی‌ها محدود نمی‌شد. ظاهراً دامنه این نهاد که در دوره فروپاشی خلافت عباسی شکل گرفت به مناطقی کشیده شد که سلسله‌های محلی در حال ظهور بودند، سلسله‌هایی همچون حمدانیان (۹۰۵-۹۰۱م)، سامانیان (۸۵۷-۹۹۹م)، طولونیان (۸۷۷-۹۰۵م) و غیره. در اینجا پرسش مهم این است که آیا خلفا این نقیب‌ها را منصوب می‌کردند یا امرای حکومت‌های محلی. در هر حال، این پرسشی بسیار دشوار است. حتی زمانی که گفته شده امیر یک حکومت محلی نقیبی را منصوب کرده است، نمی‌توانیم امکان انتصاب رسمی، هرچند اسمی، توسط خلیفه را نادیده انگاریم. مدرّسی چنین می‌انگاشت که دوره آل بویه نقطه عطفی بود در تغییر چگونگی اصل انتصاب‌ها از خلفا به امرای حکومت‌های محلی.^{۵۴} اگرچه این انگاره اساساً معتبر به نظر می‌رسد، باز هم باید گفت که نه تنها نقیب‌های بغداد، هم در دوره آل بویه و هم در آغاز قرن سیزدهم، توسط خلفا منصوب می‌شدند، بلکه حتی در زمان یکی از خلفای متأخر مانند الناصر (حکومت ۱۱۸۰-۱۲۲۵م) هم چنین اتفاق افتاد که خلیفه سند انتصاب برای نقیب النقبای

خراسان ارسال کرد.^{۵۵} ممکن است حق انتصاب نقیب یکی از آن مسائل سیاسی مورد رقابت خلافت و حکومت‌های محلی بوده باشد، همچنان که به نظر می‌رسد مورد اخیر بیانگر رقابتی بین خلافت و شاهان خوارزم هم بوده باشد. بر پایهٔ نتیجهٔ فوق، حال می‌توانیم به عقب برگشته و رای و نظر پژوهشگران را که تاکنون ارائه کرده‌اند ارزیابی کنیم.

تا آنجا که به شکل‌گیری نهاد نقیبی و اشاعهٔ آن مربوط می‌شود، نتیجهٔ پژوهش فوق، نظر وان اردانک را تأیید می‌کند. با این حال، الحِمّانی که وان اردانک او را نقیبی در سال ۲۵۰ هـ (۸۶۴-۸۶۵ م) درکوفه می‌پنداشت، به احتمال بسیار زیاد چنین مقامی را عهده دار نبود. در همهٔ آثار مبسوط که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند از او به عنوان یک شاعر مشهور نام برده شده است، نه به عنوان یک نقیب.^{۵۶} احتمالاً واژهٔ نقیب را المسعودی به کار برده است تا شأن الحِمّانی را در میان طالبی‌های کوفه نشان دهد، چرا که المسعودی در زمانی می‌زیست که نهاد نقیبی پیش از آن به یک نهاد معمول و جافتاده در جامعه تبدیل شده بود.^{۵۷}

اکنون باید این نظریه را که نهاد نقیبی طالبی‌ها در نتیجهٔ تقسیم تنها نهاد نقیبی هاشمیان به دو نهاد نقیبی عباسیان و طالبی‌ها شکل گرفت، مورد پرسش قرار داد. همچنان که در بالا گفته شد، نظریهٔ مذکور بر پایهٔ این داده است که در سال ۳۰۱ هـ (۹۱۳-۹۱۴ م) پسر ابن طومار به عنوان «نقیب هاشمیان، هم عباسیان و هم طالبی‌ها» در بغداد جانشین پدرش شد. چون هیچ نقیب دیگری پیش از او برای پژوهشگران شناخته شده نبود، آنها پذیرفتند که این نهاد توسط ابن طومار و پسرش اداره می‌شده و بعدها به دو نهاد نقیبی مختلف تقسیم شده است. اما اکنون دیگر روشن است که نهاد نقیبی طالبی‌ها مدتی پیش از آن تأسیس شده بود.

برای رد این «نظریهٔ تقسیم» شواهد کافی می‌توان ارائه کرد. نخست اینکه نمونه‌ای از مقام نقیبی را که توسط یک فرد بر هر دو شاخهٔ خاندان هاشمیان نظارت داشته است می‌توان در دوره‌ای پس از آن تاریخ نیز پیدا کرد. در سال ۵۱۷ هـ (۱۱۲۳-۱۱۲۴ م) علی بن طرادالزینبی، نقیب عباسیان، به مقام نقیبی علویان نیز منصوب شد.^{۵۸} بنابراین، منطقی که پشت فرض دگرگونی تاریخی یک نهاد نقیبی به نظامی دوگانه قرار دارد ناستوار است، چرا که مبتنی بر این باور است که پسر ابن طومار آخرین فرد از نهاد یگانه و شناخته‌شدهٔ پیشین است.^{۵۹} دوم آنکه وجود نقیب‌های هاشمیان پیش از ابن

طومار را نمی‌توان تأیید کرد. ماسینیون تنها کسی است که از دو نقیب هاشمیان نام برده است که پیش از ابن طومار زندگی می‌کردند.^{۶۰} ولی بر پایه پژوهشی در متون معیار، به نظر نمی‌رسد که این دو فرد از نقیب‌ها بوده باشند، چون ماسینیون ذکری از منابع خود نکرده است، امکان آن باقی می‌ماند که اشاره او بر پایه منبعی بوده باشد که در دسترس ما نیست، ولی گزارش‌های منابعی همچون تاریخ الطبری یا تاریخ بغداد که در آنها آمده این دو شخص عامل یا والی مکه بوده‌اند، و یکی از آنها حتی فرمانده یک لشکر نظامی بوده است، شواهدی قوی در رد نقیب بودن آنهاست.^{۶۱} اطلاعاتی از این دست این نتیجه را در پی دارد که تصدی مقام نقیبی هاشمیان توسط ابن طومار و فرزندش صرفاً امری موقتی بوده، چرا که نهاد نقیبی طالبی‌ها از پیش وجود داشته است.^{۶۲} مقام نقیبی را که بر هر دو شاخه نظارت داشت و افرادی از خاندان عباسی عهده‌دار این مقام شدند و این امر دست‌کم در دو زمان جداگانه در بغداد روی داد به‌خوبی می‌توان به پایتخت بودن بغداد مربوط دانست، که بنا به آنچه پیش از این گفته شد، یک دلیل احتمالی برای ظهور نسبتاً دیر هنگام نقیب‌ها در آنجا نیز بود.^{۶۳}

از دو خبری که اغلب پژوهشگران دینی مسلمان آن را نقل کرده‌اند، اولی با یافته‌های ما همخوانی دارد، چرا که شکل‌گیری نهاد نقیبی را در سال ۲۵۱ هـ (۸۶۵-۸۶۶ م) در حکومت المستعین می‌داند. اشاره این خبر به سیاست خشنودسازی که دستگاه خلافت در پیش گرفته بود نیز با استدلال من سازگار است. در این خبر نه تنها به شورش و کشته شدن یحیی بن عمر، به دلیل توهین یکی از مقامات حکومت عباسی به وی، اشاره می‌شود، بلکه استدلال می‌کند به دلیل این رویداد غم‌انگیز تقاضایی از طرف برادرزاده شخصی شورش‌ی مبنی بر تأسیس نهاد نقیبی طرح می‌گردد که خلیفه نیز آن را می‌پذیرد. به علاوه، شخص مورد سؤال در شش اثر از هفت اثر تبارشناختی که در این پژوهش از آنها استفاده شده، به عنوان یک نقیب معرفی گشته است.^{۶۴}

با این حال، این امکان همچنان وجود دارد که در صدق و صحت این خبر شک و تردید روا داشت، به دلیل همین «سازگاری و همانندی بی‌اندازه.» در واقع شاهد بعدی را می‌توان در بطلان صدق و صحت آن ارائه کرد.

نخست اینکه شناسایی و تعیین هویت الحسین به عنوان اولین نقیب خیلی دیر در منابع آشکار شد. بنابر آنچه من می‌دانم، اولین اثری که مطلب فوق در آن به‌طور غیرقابل منازعه آمده است، کتاب عمدة الطالب از ابن عنبة است که در اوائل قرن پانزدهم تألیف

شده است، بیش از شش قرن پس از رویداد مورد ادعا.^{۶۵} دوم آنکه با مقایسه آنچه در عمده آمده، که تنها می‌گوید: الحسین اولین نقیبی بود که نظارت بر امور طالبی‌ها را عهده‌دار شد و اینکه وی در سال ۲۵۱ هـ (/ ۸۶۵-۸۶۶ م) از حجاز به عراق آمد، و «روایت کامل» این خبر در کتاب زهرة المقول (تألیف در سال ۱۰۱۳ هـ / ۱۶۰۴ م)، می‌توان استنباط کرد که بسیاری از مطالب این خبر عناصری است که در طول زمان به آن افزوده شده است.^{۶۶} سوم آنکه بین روایتی که می‌گوید: الحسین بن احمد از حجاز آمد تا آن تقاضا را بکند، و خبری که در مجدی آمده که پدر الحسین مقیم کوفه بود (هو من اهل الکوفة) تناقضی آشکار وجود دارد، و می‌تواند بیانگر کذب خبر مذکور باشد.^{۶۷} اگرچه این خبر کمک مؤثری به توضیح زمینه کلی شکل‌گیری نهاد نقیبی می‌کند، معقول خواهد بود اگر آن را به عنوان خبری که بعدها جعل شده است در نظر بگیریم.

فرجام سخن

از طریق پژوهشی روشمند در آثار تبارشناسی اولیه به این نتیجه رسیدیم که نهاد نقیبی طالبی‌ها پس از خلافت المتوکل احتمالاً در طول خلافت المنتصر یا المستعین، شکل گرفت. این مطلب نیز روشن شد که این نهاد قبل از نیمهٔ قرن دهم به‌طور گسترده‌ای اشاعه یافته بود. اطلاعات دربارهٔ نام حوزه‌های قضایی مختلف و چگونگی پراکندگی آنها نیز اساس کار برای مطالعات آینده خواهد بود.

بر پایهٔ دورهٔ شکل‌گیری نهاد نقیبی و ترکیب اولین حوزه‌های قضایی می‌توان نتیجه گرفت که شکل‌گیری این نهاد پاسخی بود به یک وضعیت تازه که در آن، خلافت عباسی نظارت مؤثر خود را بر روی طالبی‌ها از دست داده و حتی با امارت‌های مستقل طالبی‌ها به تعارض رسیده بود. کارکرد این نهاد مانند وسیله‌ای بود برای انسجام و یکپارچگی دوبارهٔ طالبی‌ها در یک تشکیلات تازه، نه همچون خانواده‌های رقیب در زیر نظارت دقیق دستگاه خلافت، بلکه همچون یک نهاد معمول جامعه که مورد احترام مردم قرار داشت.^{۶۸}

با تأسیس و اشاعهٔ نهاد نقیبی، سیدها برای اقامت و استقرار گستردهٔ خود از حمایت سازمانی برخوردار شدند. هنگامی که برای اولین بار جمعیت مسلمانان در حال افزایش سریع بود و در بخشهای مرکزی جهان اسلام دارای اکثریت می‌شد، پراکندگی و گسترش مکانی سیدها نیز بعد تازه‌ای می‌یافت.^{۶۹} با این حال، پیامد این پراکندگی هنوز هم نیازمند مطالعه و پژوهشهای بیشتر است.

فهرست: نقیب‌های اولیه در مناطق مختلف

کلید راهنما

حوزه قضایی / تعداد نقیب‌های ثبت شده (تعداد نقیب‌های با تبارشناسی کامل، هرچند کسی از نقیب‌های ثبت شده شناخته نشده باشد) - تعداد خاندان‌هایی که عهده‌دار مقام نقیبی بوده‌اند و در منابع ثبت شده است، اما هیچ‌کس به‌طور منفرد ثبت نشده است / کوچکترین شماره نسلی در میان نقیب‌های آنجا [نه لزوماً شماره نسلی فرضاً اولین نقیب]، تاریخ تخمینی برای اولین نقیب آنجا که به شکوفایی عمر خود رسیده است.

(ترتیب) توثیق نقیب بودن [A: بسیار موثق، B: لزوم احتیاط، C: نقیب نبود]: نام (شماره نسلی) لقب، اگر باشد / منابعی که در آنها نقیب خوانده شده است (منابعی که ذکری از او شده است، اما نه به عنوان نقیب: منابعی که زیر آنها خط کشیده شده نشان می‌دهند که نام شخصی فقط در خبر [ها]ی تبارشناسی [ها]ی نواده [گان] او آمده است) / شیوه‌ای که وی نقیب خوانده شده است / عناوین مربوط دیگری که با آنها خوانده شده است [گزینشی]: برگرفته از هر دو دسته منابع فوق / تاریخ شکوفایی [A: داده صریح و روشن از منابع، B: تخمین] (خویشاوندانی که از تاریخ زندگی آنها برای تخمین استفاده شده است: اعداد رومی نشان می‌دهند که خط تباری از نقیب مورد بحث به سمت خویشاوند او حرکت می‌کند و تا آنجا پیش می‌رود که تبارهای هر دو، نقیب و خویشاوندش، از یکدیگر جدا می‌شوند. اعداد عربی حرکتهای بعدی را تا رسیدن به یک خویشاوند نشان می‌دهند. مثال: $-II+1$ یعنی عموی نقیب) / ذکری از او در کمونه، موارد الاتحاف / یادداشت.

مدینه / ۶-۱ / VII، ۲۴۴

(۱) A: عیسی ابوالحسن (یا ابوالحسین) بن محمد بن علی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی (۵۷) / «تهذیب»، ۱۷۵؛ «مجدی»، ۱۳۹؛ «منتقله»، ۱۳، ۲۳، ۴۷ و جاهای دیگر؛ لباب، ۶۶۱؛ شجرة، ۱۱۱؛ فخری، ۲۹ (سر، ۴۹) / نقیب // B: ۲۴۴ (II، -III، -III+1، -I+3، II، ۱۱۵) استنباط کمونه این است که او در حکومت المستعین عهده‌دار مقام نقیبی بوده است، اما شاهی ارائه نمی‌دهد.

(۲) B: يحيى ابوالحسين بن الحسن بن جعفر بن عبيدالله بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي (٥٧) / تهذيب، ٢٣١؛ منتقلة، ٣١٢ (سر)، ص ٧٢؛ مجدى، ٢٠٣؛ شجرة ١٤٨؛ فخرى، ٥٨) / نقيب / نسبه؛ محدث / A: ٢١٤-٧٧ B: ٢٤٨
// (-I, +I, -II, -I+1, -III, -II+1, +III) //

پيامه / ١ / VII، ٢٥١

(۱) B: ابراهيم ابوحنظلة بن يحيى بن عبدالله بن موسى بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علي (٥٧) / شجرة، ١٤؛ فخرى، ٩٣، ٢٠٨ (تهذيب، ٥٤) / نقيب // B: ٢٥١ (-I, +I, -II, -I+1, -III, -II+1, +III) // ٢٠٨.

مصر / ١٧-١ / VIII، ٢٥٨

(۱) A: يحيى ابوالحسين بن اسحاق بن داود بن محمد بن حمزة بن اسحاق بن علي بن عبدالله بن جعفر (٥٨) / مجدى، ٢٩٩؛ شجرة، ٢١٠؛ فخرى، ١٩٠ (تهذيب، ٣٤٨) / نقيب؛ «نقابۀ الطالبيين» در مجدى // B: ٢٥٨
// (-IV, +IV, -VII, -V+2, II) / ١٤٠.

(۲) A: محمد ابو عبدالله بن اسماعيل بن القاسم بن ابراهيم بن اسماعيل بن ابراهيم بن الحسن بن الحسن بن علي (٥٨) / تهذيب، ٧٢؛ منتقلة، ٢٩٢؛ شجرة، ٢٨؛ فخرى، ١١١ (مجدى، ٧٦) / نقيب؛ «نقيب الطالبيين» در تهذيب و شجرة // A: وفات ٣١٥ B: ٢٧٧ (-IV, -III+1, -II+2, +IV, +IV) / II، ١٣٥.

طبرستان / ٩ / VII، ٢٦٢

(۱) A: علي ابوتراب بن عيسى بن محمد بن القاسم بن الحسن بن زيد بن الحسن بن علي (٥٧) / تهذيب، ١١٥؛ مجدى، ٢٥؛ منتقلة، ١٣٧، ١٣٤، ١٩٣ و جاهای ديگر؛ شجرة، ٤٢؛ فخرى، ١٣٧، ٢١٤، ٢٢٢ / نقيب // B: ٢٦٢
// (-I, +I, -IV, -II+2, -IV+1, -IV+1, -IV+1, -IV+1, +V, +II) / II، ١٩، ٢١٨ / حوزه قضايی: مصر در منتقلة، ٢٩٥.

(۲) A: جعفر ابو عبدالله بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي (٥٧) / تهذيب، ٢٤٢؛ منتقلة، ٢١٣ / نقيب // B: ٢٧٣
// (-IV, -III+1, -III+1, -II+2, -II+2) //

کوفه / ۴۱(۳۵)۲-۷۰۲۶۷، VII

(۱) B: علی بن عبیدالله بن علی بن عبیدالله بن الحسن بن علی بن الحسن بن علی
(۰۷) / شجره، ۱۵۷؛ فخری، ۶۷ (تهذیب، ۲۲۵) / نقیب / محدث /
۲۶۷: B (II, -II, +III, -IV, -III+1, -II+2, -II+2, +IV) //

(۲) A: علی ابوالحسن بن محمد بن یحیی بن الحسن بن زید بن علی بن الحسن بن
علی (۰۷) / تهذیب، ۱۹۰؛ منتقلة، ۲۷۳؛ شجره، ۱۲۸، فخری، ۲۰۲، ۳۹ / نقیب //
B: ۲۶۹

۹۸، II(IV, -II+2, -II+2, -III+1, -III+1, -III+1, -III+1, -IV, +III, -II+1, -III-II) /

(۳) A: الحسن بن ابوعبدالله بن احمد بن عمر بن یحیی بن الحسن بن زید بن علی
بن الحسن بن علی (۰۸) / تهذیب، ۱۹۳؛ مجدی، ۱۷۱؛ منتقلة، ۲۷۴؛ لباب، ۵۴۱؛
شجره، ۱۳۰؛ فخری، ۴۱ / نقیب / رئیس؛ نسابة / B: ۲۷۰ /
(II, -III, -II+1, +III, +III) / ۸۹، II / اولین نقیب ادعاشده در خبر مورد استفاده
اغلب پژوهشگران مسلمان.

(فسا / ۱ / VII، ۲۷۲) ۷۱

میافارقین / (۲) ۳ / ۷۲۲۷۳

(۱) B: نگاه کنید به نصیبین (۱)

(۲) B: محمد ابویعلی بن الحسن بن جعفر بن محمد بن القاسم بن ابراهیم بن الحسن بن
محمد بن سلیمان بن داود بن الحسن بن الحسن بن علی (۱۲) / تهذیب، ۱۰۲،
مجدی، ۲۹، ۹۰؛ لباب، ۵۵۱، ۵۵۳؛ فخری، ۱۲۸ / نقیب / ادیب؛ فارس / A: در
زمان تألیف مجدی (= ۴۴۳) B: ۴۶۴ (II, -VII, VI+1) / حوزه قضایی: «آبة
و میافارقین»، «نصیبین و میافارقین» در لباب، نصیبین در دیگر منابع.

نصیبین / (۱۲) ۱۳ / VII، ۲۷۳

(۱) B: ابراهیم بن الحسن بن محمد بن سلیمان بن داود بن الحسن بن علی (۰۷) / لباب،
۵۵۳؛ شجره، ۳۵؛ فخری، ۱۲۷ (تهذیب، ۱۰۱؛ مجدی، ۹۰) / نقیب // B: ۲۷۳
(I+1, -II, -III, -IV, -II+2, -II+2, -II+2) // حوزه قضایی: «نصیبین و میافارقین»
در لباب.

(۲) B: القاسم ابو محمد بن ابراهیم بن الحسن بن محمد بن سلیمان بن داود بن الحسن بن الحسن بن علی (۰۸) / منتقلة، ۳۲۸ (تهذيب، ۱۰۱؛ مجدی، ۰۹۰؛ فخری، ۱۲۸) / نقيب / رئيس / B: ۳۰۷ II / (-III+2, -III+2, -III+2, -V, +IV, -IV, -II+1, -III) / ۱۸۶.

(۳) A: عبدالله ابو جعفر بن علی بن محمد بن عبدالله بن الحسين بن علی بن علی بن الحسين بن علی (۰۹) / فخری، ۰۸۳ / نقيب // B: ۳۲۲ // (-IV+2, -V+1, -V+1, -V+1, -V+1, -IV+1, -IV+1, -V, -IV) / ۱۸۶.

عراق / VIII، ۲۲۷

(۱) B: الحسن بن محمد بن جعفر بن عبدالرحمان بن القاسم بن الحسن بن زيد بن الحسن بن علی (۰۸) / لباب، ۶۲۵ (تهذيب، ۱۲۷؛ شجرة، ۶۲؛ فخری، ۱۵۰) / نقيب // B: ۲۷۷ (-V+1, -V+1, -V+1, -III+2, -III+2, -V) / ۱۸۶.

قم / VIII، ۲۷۸

(۱) B: حمزه ابو القاسم بن احمد بن محمد بن اسماعيل بن محمد بن عبدالله بن علی بن الحسين بن علی (۰۸) / شجرة، ۱۱۶؛ فخری، ۳۴، ۲۰۲، ۲۴۱ (سر، ۵۱؛ تهذيب، ۱۸۵؛ مجدی، ۱۴۵) / نقيب // B: ۲۷۸ II (+III, -II+1, -III, -I+1, -I+1, -II) / ۸۴. (۲) A: احمد ابو علی بن علی بن محمد بن عمر بن علی بن عمر بن علی بن الحسين بن علی (۰۸) / تهذيب، ۱۸۹، منتقلة، ۶۱، ۲۵۷، ۲۷۲، ۳۴۴؛ شجرة، ۱۲۶؛ فخری، ۳۸؛ مجدی، ۱۵۰) / B: ۲۹۱ (-IV+2, -IV+2, -IV+2, -IV+2, -IV+2, -IV+1) / ۱۸۶.

ری / VIII، ۳۲۷۸ (۱۶)

(۱) B: ابراهیم بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی (۰۸) / تهذيب، ۱۷۶ (مجدی، ۱۴۰) / نقيب // B: ۲۷۸ (-II+3, -IV+1, -IV+1, -IV+1, -II+2, -IV, -III) / شاید صرفاً یک ساکن ری. (۲) B: ابراهیم ابو محمد بن محمد بن عبدالله بن عبدالله بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی (۰۸) / شجرة، ۰۳۹ (تهذيب، ۹۱) / نقيب // B: ۲۹۳ (-I+5, -IV+2, -VI, -V, +IV, -IV, -II) / ۲۳۱.

A(۳): محمد ابو عبدالله بن علی بن القاسم بن علی بن اسماعیل بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۰۸) / تهذیب، ۱۴۳، شجرة، ۶۸، فخری، ۱۶۳ / نقیب // ۳۰۶: B (-IV+2, -V+1, -V+1, -V+1, -I+4, -V) / ۲۳۲ ؟ /

اصفهان / ۱۵ (۱۴) / VIII، ۲۹۳

A(۱): محمد ابو جعفر بن الحسن بن محمد بن حمزه بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۰۸) / شجرة، ۶۳ / نقیب // ۲۹۳: B (-V+1, -V+1, -V+1, -V, -II+1, -I) / ۲۲ /

A(۲): محمد ابو الحسن بن الحسين بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی (۰۹) / شجرة، ۱۱۲، فخری، ۳۰ / نقیب // ۳۱۳: B (-III+3, -V+1, -V+1, -V+1, -III+2, -V, -IV) / ۲۰، I /

A(۳): محمد ابو الحسن بن الحسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی (۰۹) / شجرة، ۱۱۲، فخری، ۳۰ / نقیب // ۳۱۳: B (-III+3, -V+1, -V+1, -V+1, -III+2, -V, -IV) / ۲۱، I /

A(۴): محمد ابو الحسين بن محمد بن الحسين بن محمد بن علی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی (۰۹) / تهذیب، ۱۷۹ / نقیب // ۳۱۸: B (-V+1, -V+1, -V+1, -V, -IV) /

مكة / ۷ / VIII، ۲۹۷

B(۱): محمد ابو جعفر بن علی بن اسماعیل بن جعفر بن عبدالله بن الحسين بن علی بن الحسين بن علی (۰۸) / منتقلة، ۱۲۸، شجرة، ۱۶۱، فخری، ۷۳، ۲۲۰ (سر)، ۷۳؛ تهذیب، ۲۴۰؛ مجدی، ۲۰۷ / نقیب / ۲۹۷: B (+V, -III+2, -IV+1, -IV+1, -V, +IV) /

A(۲): یحیی ابو علی بن محمد بن علی بن اسماعیل بن جعفر بن عبدالله بن الحسين بن علی بن الحسين بن علی (۰۹) / منتقلة، ۳۰۷، شجرة، ۱۶۱، فخری، ۷۳، تهذیب، ۲۴۰ / نقیب // ۳۳۱: B (-VI+1, I+5, -IV+2, -IV+2, -V+1, -V+1, -VI, -I+4) / ۱۷۰، II /

B(۳): محمد ابو جعفر بن الحسين بن محمد بن موسی بن عبدالله بن موسی بن عبدالله بن

الحسن بن الحسن بن علی (٥٩) / فخری، ٨٨ (تهذيب: ٤٩؛ مجدی، ٥٥؛ شجرة، ٧) /
نقیب / «امير بمكة» B: ٣٣٩ // (-III+1, -III+1, -III+1, -IV, -III, +II)

صنعا / ٢ / VIII، ٢٩٨

B(١): طاهر بن الحسن بن محمد بن طاهر بن زيد بن الحسن بن زيد بن الحسن بن علی
(٥٨) / لباب، ٥٦٥ (شجرة، ٦٥؛ فخری، ١٥٨) / نقیب B: ٢٩٨
// (-V+2, -V+1, -V+1, -V, -IV)
B(٢): نگاه کنيد به يمن (١).

بصره / ٣٢-١ / VIII، ٣٠٠

B(١): الحسن بن محمد بن محمد بن يحيى بن الحسين بن زيد بن علی بن الحسين بن
علی (٥٨) / فخری، ٤٠ (تهذيب، ١٩١؛ شجرة، ١٢٩) / نقیب B: ٣٠٠
// (-III+2, -III+2, -IV+1, -IV+1, -IV+1, -IV+1, -V, -III+1, -IV, -III)
B(٢): الحسين ابو محمد بن محمد بن محمد بن يحيى بن الحسين بن زيد بن علی بن
الحسين بن علی (٥٨) / شجرة، ١٢٩ (تهذيب، ١٩١؛ فخری، ٤٠) / نقیب B: ٣٠٠
// (-III+2, -III+2, -IV+1, -IV+1, -IV+1, -IV+1, -V, -III+1, -IV, -III)
A(٣): احمد ابو عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن الحسن بن جعفر بن
الحسن بن الحسن بن علی (٥٩) / تهذيب، ٨٨ / «كان خلف علي نقابة» B: ٣٠٢
// (-II+4, -II+4, -II+4, -VI, -V, -III)

بغداد / ٤٧ (٤٦) - VII / ١، ٧٤٣٠٢

B(١): احمد ابو علی بن محمد بن الحسن بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن
الحسن بن الحسن بن علی (٥٩) / مجدی، ٤٠ (تهذيب، ٣٥) / نقیب B: ٣٠٢
// (-II+4, -V+1, -V+1, -VI, -V, -IV, -III, +II)
A(٢): علی ابو الحسن بن الحسن بن زيد بن علی بن الحسين بن زيد بن علی بن الحسين
بن علی (٥٨) / تهذيب، ٢٠٧؛ منتقله، ٦٢؛ شجرة، ١٣٨؛ فخری، ٥١ (مجدی، ١٦٤) /
نقیب B: ٣٠٦ // (-II+3, -IV+1, -IV+1, -IV+1, -IV+1, -V, -IV, +III, -III)
B(٣): محمد ابو احمد يا احمد ابو الفظی (مشهور به ابو الضوء) بن جعفر بن محمد

ابوالفضلى بن جعفر بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن على (٥٨) تهذيب،
 ٩٧ (مجدى، ٨٧؛ شجرة، ٤٠؛ فخرى، ٢١٢) / «تخذ ف على النقابة» // B: ٣١٨ يا ٣٢٣
 (-I يا -II, +I, -III+2 يا -V, -IV, -III+1) //
 (٤) A: محمد ابوالحسن (مشهور به ابوقيراط) بن جعفر بن محمد ابوالحسن بن الحسن بن
 جعفر بن الحسن بن الحسن بن على (٥٨) تهذيب، ٩٧؛ مجدى، ٨٧؛ منتقلة، ٥٣،
 ١٨٦، ١٩٨؛ لباب، ٢٨٨؛ فخرى، ١٢٥، ٢١٢ / نقيب الطالبين» در مجدى /
 محدث / B: ٣٢٢ يا ٣٢٦ (-I يا -II, -III+2 يا -I+4, -V, -IV, +II, -III+1) / ٤٤، I /
 وفات ٣٤٥ («موارد؛ Busse, chalif, "113; Massignon, "Cadis et naqībs, "und Grosskönig, 295).

اهواز / ١١-٢ / VIII, ٣٠٣
 (١) B: الحسين ابوعبدالله بن عبيدالله بن على بن عبيدالله بن عبدالله بن
 الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن على (٥٩) / منتقلة، ١١، ١٧٩
 (تهذيب، ٨٦؛ مجدى، ٨٥؛ فخرى، ١١٨) / نقيب // B: ٣٠٣
 (-I+4, -I+4, -V, -I+3, -III, +II, +II) //
 (٢) A: احمد بن على بن يحيى بن يحيى بن الحسين بن زيد بن على بن الحسين بن على
 (٥٨) / منتقلة، ١٣؛ شجرة، ١٣٥؛ فخرى، ٤٩ (تهذيب، ٢٠٢) / نقيب // B: ٣٠٤
 (-I+3, -III+1, -III+1, -IV, -III) / ٢٥، I //

مولتان / ٥٥ / VII, ٣٠٣
 (١) A: احمد بن حمزة بن جعفر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن على (٥٧) /
 مجدى، ٢٧٨؛ شجرة، ١٩٧، (فخرى، ١٧٧) / نقيب / امير / B: ٣٠٣
 (-II+1, -II+1, -II+1, -II+1, -III) //
 (٢) B: محمد بن حمزة بن جعفر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن على (٥٧) /
 مجدى، ٢٢٧ (شجرة، ١٩٧؛ فخرى، ١٧٧) / نقيب / امير / B: ٣٠٦
 (+III, -II+1, -II+1, -II+1, -II+1, -III, +II) //

طرم / ١ / VIII, ٣١٠
 (١) A: القاسم ابومحمد بن جعفر بن محمد بن احمد بن حمزة بن القاسم بن اسحاق بن
 عبدالله بن جعفر (٥٨) / مجدى، ٢٩٨ / نقيب // B: ٣١٠ (-VII, -V) //

دینور / ۳ (۲) IX، ۳۱۷

(۱) A: الحسن ابوعلی بن الحسین بن علی بن محمد بن علی بن اسماعیل بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی (۱۰) / شجرة، ۱۰۴؛ فخری، ۲۵، ۱۹۹، ۲۳۰ (مجدی، ۱۰۴) / نقیب // B: ۳۱۷ (-V+1, -V+1, -VI, IV+1, -IV) / ۲۲۷، I.
(۲) A: محمد بن طاهر بن علی بن الحسن بن الحسین بن الحسن بن علی بن علی بن الحسین بن علی (۵۹) / فخری، ۸۴ (تهذیب، ۲۶۲) / نقیب // B: ۳۲۱ (-IV+1, -IV+1, -V, -IV, -II)

نیشابور / ۱۶ IX، ۷۵۳۲۴

(۱) A: محمد ابوعلی بن احمد بن محمد بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن علی بن الحسن بن علی (۵۹) / منتقلة، ۳۳۹؛ لباب، ۴۹۳؛ شجرة، ۱۷۲ / نقیب / محدث A: ۲۶۰ - ۳۶۰ B: ۳۲۴ (-V, -I+3, -IV, -I+2, -I+1) // II، ۱۹۲، ۱۹۲.

بطائح / ۷ (۶) IX، ۷۶۳۲۶

(۱) A: الحسن ابو محمد بن علی بن الحسین بن علی بن عمر بن الحسن بن علی بن علی بن الحسن بن علی (۵۹) / مجدی، ۲۲۰؛ لباب، ۵۶۲، ۲۳۹؛ شجرة، ۱۷۹ / نقیب // B: ۳۲۶ (-V+1, -V+1, -V+1, -V+1, -V, -IV) / I، ۳۹.

ارژان / ۱۳ X، ۳۳۱

(۱) A: علی ابوالحسن بن الحسین بن عبيدالله بن علی بن عبيدالله بن عبدالله بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی (۱۰) / تهذیب، ۸۸؛ مجدی، ۸۵؛ منتقلة، ۱۶، ۱۱؛ فخری، ۱۱۸ / نقیب // B: ۳۳۱ (-II+4, -II+4, -VI, -II+3, -IV, +I, +I) / I، ۲۶، ۱۶ / کمونه تأیید می‌کند که این شخص «صاحب عضدالدولة» بوده است، اما بر پایه فخری، پسران او بودند که با این پادشاه مراوده داشتند. حوزه قضایی: اهواز در مجدی.
(۲) A: الحسن ابو محمد بن زید بن علی بن جعفر بن زید بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی (۱۰) / تهذیب، ۱۶۴؛ مجدی، ۱۱۹؛ فخری، ۲۱ / نقیب؛ «نقیب علی الطالبيين» در مجدی // B: ۳۳۹

مجدی / $(-V+1, -V+1, -V+1, -V+1, -VI, -V, -IV)$ / ۲۸، ۱۵، I / حوزة قضایی: بصره در

سمرقند ۷ / IX / (۶)؛ (زمان معیار برای نسل نهم ۳۳۲)
 A(۱): محمد ابو جعفر بن علی بن عبدالله بن ابراهیم بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن
 جعفر بن محمد بن علی (۹۰) / تهذیب، ۲۶۹؛ منتقلة، ۱۸۳؛ فخری، ۱۶۷ / نقیب //
 II، ۲۱۷.

طوس / ۹ / IX / (۵) ۳۳۴
 B(۱): احمد ابو علی بن محمد بن القاسم بن حمزة بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی
 بن الحسن بن علی (۹۰) / شجرة، ۹۶؛ (فخری، ۲۰) / نقیب // B: ۳۳۴
 II، ۲۶ / $(-IV+1, -IV+1, -IV+1, -IV+1, -IV+1, -V, -IV, +II)$
 A(۲): محمد ابو جعفر بن موسی بن احمد بن محمد بن القاسم بن حمزة بن موسی بن
 جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی (۱۱) / تهذیب، ۱۶۹؛ مجدی، ۱۱۸؛
 منتقلة، ۲۲۱؛ شجرة، ۹۶؛ فخری، ۲۰ / نقیب // B: ۳۹۵
 II، ۲۶ / $(-VI+1, -VI+1, -VI+1, -VI+1, -VI+1, -VII, -VI, -II+2)$

بلغ / ۱۱ / X، ۳۳۶
 A(۱): علی بن محمد بن علی بن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد بن
 علی بن الحسین بن علی (۱۰) / جلال الدین / شجرة، ۸۹؛ فخری، ۱۵ / نقیب //
 B: ۳۳۶ $(-III+3, -V+1, -V+1, -V+1, -V+1, -VI, -V, -IV, -II)$ / ۱۲۶ / صحت
 تبار وی مشکوک است.

A(۲): عبيدالله ابو علی بن محمد بن عبيدالله بن علی بن الحسن بن الحسین بن جعفر بن
 عبيدالله بن الحسین بن علی بن الحسن بن علی (۱۱) / شجرة، ۱۵۲؛ فخری، ۶۲ /
 نقیب / رئیس / B: ۳۹۴ $(-VI+1, -VII, -VI, -V, +II, +II)$ //
 A(۳): علی ابو القاسم بن محمد بن عبيدالله بن علی بن الحسن بن الحسین بن جعفر بن
 عبيدالله بن الحسن بن علی بن الحسن بن علی (۱۱) / تهذیب، ۲۳۱؛ شجرة، ۱۵۲؛
 فخری، ۶۲ / نقیب // B: ۳۹۴ $(+VI, +VI, -VI, -V, -I+3, -I+3)$ / ۱۳۰.

دمشق / ۳۳۷، X/۱-۶

A(۱): اسماعیل ابو محمّد بن الحسن بن احمد بن اسماعیل بن محمّد بن اسماعیل بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسن بن علی (۱۰) / مجدی، ۱۰۲؛ فخری، ۲۴ / نقیب // A: وفات ۳۴۷
۳۳۷: B (IV+3, -V+2, -VI+1, -VI+1, -VI+1, -VI+1, -V+1, -VI, -II+2, -IV) I/
۲۰۶ / کمونه می‌گوید که او از طرف المقتدر (حکومت ۳۲۰/۹۳۲-۲۹۵/۹۰۸) منصوب شد.

موصل / ۱۸ (۱۷) X/۳۳۷،

A(۱): محمّد ابو جعفر بن موسی بن محمّد بن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی (۱۰) / مجدی، ۱۲۲ / نقیب // A: در حکومت ناصرالدوله بن حمدان (حکومت ۹۲۹ / ۳۱۷-۳۵۶/۹۶۷) ۳۳۷: B (۱۷۶, II(-V+1, -V+1, -V+1, -V+1, -VI, -V, -III+1, -IV) .

حائر / ۲-۷ X/۳۳۹،

A(۱): موسی ابو الحسن بن جعفر بن محمّد بن ابراهیم بن محمّد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی (۱۰) / تهذیب، ۱۶۷ / نقیب // ۳۳۹: B (-V+1, -V+1, -V+1, -V+1, -V+1, -VI, -V) .

هرات / ۱-۵ (۴) VIII/۳۴۴،

A(۱): محمّد ابو جعفر بن العلاء بن جعفر بن جعفر بن محمّد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی (۰۸) / مجدی، ۲۷۶؛ شجرة، ۱۹۴؛ فخری، ۱۷۹ / نقیب / نسابه A: «کان یکتا ابوالحسن شیخ الشرف (مؤلف اصلی تهذیب، ۳۳۸ تا ۴۳۶ یا ۴۳۷، نگاه کنید به ۳۴۴: B «(Morimoto, "Formation," 549 f.

و همکار شیخ الشرف بوده است.
B(۲): محمّد ابو یعلی بن اسماعیل بن احمد بن جعفر بن القاسم بن جعفر بن محمّد بن زید بن علی بن الحسن بن علی (۱۰) / مجدی، ۱۸۴ (شجرة، ۱۴۱؛ فخری، ۵۳) / نقیب / رئیس B: ۳۶۷ (II/(-VI+2, -VI+1, -VII, -VI, -V, -III) ۲۰۴ .

يمن / ۲ (۱) X، ۷۸۳۴۷

B(۱): القاسم ابو محمد بن احمد بن يحيى بن الحسين بن القاسم بن ابراهيم بن اسماعيل بن ابراهيم بن الحسن بن الحسن بن علي (۱۰) / منتقلة، ۲۰۰، شجرة، ۲۶؛ فخرى، ۱۰۹ (تهذيب، ۶۶؛ مجدى، ۸۰) / نقيب / «انّ اياه عقد له الامر بعد اخيه» B: ۳۴۷ / حوزة قضايى: صنعا در منتقلة.

حلب / ۳ X، ۳۵۱

A(۱): جعفر بن محمد بن احمد بن محمد بن الحسين بن اسحاق بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي (۱۰) / شجرة، ۱۰۹ / نقيب / شاعر B: ۳۵۱ / I / (-VI+1, -VI+1, -VI+1, -VI+1, -VI) / ۱۵۸.

شيراز / ۹ XI، ۳۵۱

A(۱): الحسين بن علي بن المحسن بن ابراهيم بن موسى بن ابراهيم بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي (۱۱) / شجرة، ۸۶ (تهذيب، ۱۵۰؛ فخرى، ۱۱) / نقيب B: ۳۵۱ / I / (-V+2, -VI+1, -VI+1, -VI+1, -VI+1, -VII, -IV+2, -VI, -V, +I) / ۱۳.

وادی القرى / ۱ (۰) X، ۳۵۱ ۷۹

واسط / ۷ (۶) X، ۳۵۷

A(۱): جعفر ابو الحسن بن موسى بن محمد بن موسى بن ابراهيم بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي (۱۰) / شجرة، ۸۳؛ فخرى، ۱۰ / نقيب B: ۳۵۷ / II / (-I+3, -I+3, -I+3, -IV, -I+2, -I+2) / ۱۹۹.

A(۲): عبيد الله ابو علي (يا ابو عبد الله) بن الحسين بن احمد بن محمد بن عبيد الله بن عبد الله بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علي (۱۰) / تهذيب، ۹۰؛ منتقلة، ۳۴۲ / نقيب: «نقيب العلويين» در تهذيب / رئيس جليل B: ۳۶۶ / II / (-VII, -VI, -IV) / ۱۹۹.

بخارا / ۶(۵)X/۳۵۸^{۸۰}

A(۱): الحسن بن عبدالرحمان بن محمد بن الحسن بن محمد بن عبدالرحمان بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۰) / تهذيب، ۱۳۸ / نقيب // B: ۳۵۸ (-V+2, -V+2, -VII, -IV+2) // این می تواند همین شخص بعدی باشد.

B(۲): الحسين بن عبدالرحمان بن محمد بن الحسن بن محمد بن عبدالرحمان بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۰) / منتقلة، ۹۷ (تهذيب، ۱۳۸؛ فخری، ۱۵۴) / نقيب // B: ۳۵۸ (-V+2, -V+2, -VII, -IV+2) // این می تواند همان شخص پیشین باشد. اما نمی توانیم مطمئن باشیم چون الحسن بن عبدالرحمان برادرى به نام الحسين ابو عبدالله داشته است (اما توجه کنید که، به عنوان مثال، در فخری، فقط الحسين ذکر شده است به همراه برادرانش که نام هیچ کدام از آنها شبیه الحسن نیست).

مشهد مقابر النذور / ۱ / XII/۳۶۳

B(۱): محمد بن عبدالله بن علی بن جعفر بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی (۱۲) / شجرة، ۸۰ (تهذيب، ۱۴۸) / نقيب // B: ۳۶۳ (-IV+1, -V, -III+1, -IV, -III, +II) //

اورجند / ۱ / X/۳۶۳

A(۱): الداعی ابو محمد بن حمزة بن علی بن الحسين بن هارون بن محمد بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۰) / لباب، ۶۲۹ / نقيب // B: ۳۶۳ (-V+2, -V+2, -VII, -IV+2) //

ممالک عضدالدولة (شرف الدولة) XII/۱/۳۶۶

A(۱): ابراهيم ابواسحاق ابن الحسين بن علی بن محمد بن ابراهيم بن موسی بن ابراهيم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی (۱۲) / تهذيب، ۱۵۱؛ لباب، ۵۶۶؛ شجرة، ۸۶؛ فخری، ۱۲ / نقيب النقباء در تهذيب و لباب // A: در حکومت عضدالدولة (حکومت فارس ۳۳۸ / ۹۴۹ - ۳۷۲ / ۹۸۳) یا شرف الدولة (حکومت ۳۷۲ / ۹۸۳ - ۳۸۰ / ۹۹۰) B: ۳۹۲ (-V+2, -VII, -VI) II / ۱۳ / حوزه قضایی: «(سایر) ممالک (یا اعمال) عضد (یا در تهذيب شرف) الدولة»، شیراز در شجرة.

مقابر قریش / ۷ (۶) X / ۳۸۰

- A(۱): محمد ابوعبدالله بن المحسن بن یحیی بن جعفر بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی (۱۲) / مجدی، ۱۳۵؛ شجرة، ۸۰ (تهذیب، ۱۴۸) / نقیب // ۳۸۰: B / II / (-III+I, -IV, -III, +II, +I) / ۱۵۶.
- A(۲): حمزة ابوالحسن بن محمد بن یحیی بن جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن علی (۱۰) / تهذیب، ۹۸؛ فخری، ۱۲۵ / نقیب // ۳۸۹: B / (-III+3, -VI, -III+2, -IV, -III, +I)
- B(۳): احمد ابوطالب بن محمد بن یحیی بن جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن علی (۱۰) / تهذیب، ۹۸؛ فخری، ۱۲۵ / نقیب // ۳۹۱: B / (-III+3, -VI, -III+2, -IV, -I+2, -III)

ساریه / ۳ XI / ۳۸۰

- A(۱): زید بن محمد بن یحیی بن محمد بن عبیدالله بن محمد بن عبدالرحمان بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۱) / تهذیب، ۱۳۲؛ شجرة، ۵۴؛ فخری، ۱۵۳ / نقیب // ۳۸۰: B / II / (-III+4, -III+4, -V+2) / ۲۱۶.

جرجان / ۶ - ۱ X / ۳۸۲

- B(۱): یحیی ابوطالب بن الحسین بن هارون بن الحسین بن محمد بن هارون بن محمد بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۱) / الناطق بالحق الظاهر (الظاهر) بتأیدالله / شجرة، ۵۱ (تهذیب، ۱۲۰؛ فخری، ۱۴۲) / نقیب / امام A: برای او در سال ۴۲۸ در سن حدود ۸۰ سالگی بیعت گرفته شد. B: ۳۸۲ / I / (-IV+1, -I+1) / ۱۳۸ / تولد ۳۴۰ در دیلم، بیعت در ۴۲۲، وفات ۴۲۴ بر پایهٔ موارد.
- A(۲): علی ابوالحسن بن محمد بن عبدالله بن عیسی بن احمد بن عیسی بن علی بن الحسین بن علی بن الحسن بن علی (۱۰) / سر، ۷۴ / نقیب // ۳۹۱: B / (-VII, -IV) / ۱۳۷، ۲۰۴ / با توجه به زمان تألیف سر، احتمالاً پیشتر از این تاریخ (نگاه کنید به فارس شماره ۲).

عمان / ۲ XI / ۳۸۳

- B(۱): الحسن ابوالقاسم بن محمد بن احمد بن عبیدالله بن علی بن عبیدالله بن عبدالله بن الحسن

بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی (۱۱) / منتقلة، ۲۲۷ (تهذيب، ۸۸) / نقيب اهله //
 ۳۸۳: B // (-I+5, -III+3, -III+3, -V, -I+3, -I+2, -I+2)

A(۲): زيد ابوطالب بن الحسين بن محمد بن احمد بن محمد بن القاسم بن عبيدالله بن
 موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي (۱۲) / مجدى، ۱۱۳ /
 نقيب // A: العمرى (مؤلف مجدى، وفات حدود ۴۶۰، نگاه كنيد، Morimoto, 549f. "Formation,"
 ۴۲۴ ملاقات كرد B/ ۴۰۹: (-VII) II, ۳۲ /
 العمرى صحت نسب نامه اين شخص را رد مى كند.

گیلان / ۲ / XI، ۳۸۶

B(۱): الهادی بن الراضی بن الداعی بن الحسين بن محمد بن القاسم بن ابراهيم بن
 اسماعيل بن ابراهيم بن الحسن بن الحسن بن علي (۱۱) / لباب، ۵۷۹ / نقيب /
 «ملك الاشراف والجبالي و الديلم» B/ ۳۸۶ // (-V+2, -V+2, -VI+1, -VII)
 A(۲): ابوالفضل بن الحسن بن جعفر بن محمد بن الحسين بن علي بن الحسن بن علي بن
 عمر بن علي بن الحسين بن علي (۱۱) / شجرة، ۱۲۵ / نقيب B// ۴۲۱:
 // (-V+1, -V+1, -V, -IV, -I+1) / حوزة قضايى: «بعضى بلاد گيلان».

جیرفت / ۱ / XI، ۳۸۶

A(۱): علي ابوالحسن بن محمد بن زيد بن ابراهيم بن محمد بن القاسم بن ابراهيم بن
 اسماعيل بن ابراهيم بن الحسن بن الحسن بن علي (۱۱) / شجرة، ۲۸؛ فخرى، ۱۰۵ /
 نقيب // B/ ۳۸۶ // (-V+2, -V+2, -VI+1, -VII).

کاشان / ۱ / XII، ۳۸۸

B(۱): موسى ابوالحسن بن عبيدالله (عبدالله) بن موسى بن احمد بن موسى بن محمد بن
 علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسن بن علي (۱۲) ذوالمجددين /
 لباب، ۵۸۵ / نقيب / رئيس B/ ۳۸۸ // (-III+3, -V+1, -VI, -V, -IV) / حوزة
 قضايى: «قم و کاشان».

خراسان / ۳ / XI، ۳۹۱

B(۱): الحسن ابو محمد بن محمد بن الحسين بن داود بن علي بن عيسى بن محمد بن

القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۱) / تهذیب، ۱۱۶؛ لباب، ۶۰۳؛ شجرة، ۴۳؛ فخری، ۱۳۸ / نقیب؛ نقیب النقباء در تهذیب / «رئیس عظیم القدر بنیشاپور» در «تهذیب» B/ ۳۹۱: (+IV,+III,-III,+II,+I) I/ ۲۰۳، II، ۱۹۵ / حوزه قضایی: نیشاپور در لباب، شجرة، وفخری.

B(۲): الحسن ابو محمد بن زید بن الحسن بن زید بن الحسن بن محمد بن الحسين بن داود بن علی بن عیسی بن محمد بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۵) تاج‌الدین، ذخرالدین / لباب، ۶۰۹؛ شجرة، ۴۳؛ فخری، ۱۳۸ / نقیب النقباء A/ : مقام نقیبی ۵۲۲ - ۴۹۳، وفات ۵۲۲ / B: ۵۲۱ (-VII,-IV+2,-III,+I,-I) II/ ۱۹۵ / حوزه قضایی: نیشاپور در لباب وفخری، «نیشاپور و خراسان» در شجرة.

A(۳): محمد ابو الفتح بن اسماعیل بن محمد بن الحسين بن اسحاق بن موسی بن اسحاق بن الحسين بن الحسين بن اسحاق بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی (۱۵) علاءالدین / شجرة، ۹۵؛ فخری، ۱۹ / نقیب؛ نقیب النقباء در فخری / رئیس A/ : در حکومت الناصر (۵۷۵/۱۱۸۰ - ۱۲۲۵ / ۶۲۲) B: ۵۹۳ (-V+1,-II) I/ ۱۳۸، II، ۱۳۳ / «ولاه الامام الناصر لدين الله امير المؤمنين نقابة النقباء بلاد خراسان كلها وكتب له بذلك عهده».

نسا / ۱ / X، ۳۹۱

A(۱): محمد ابوطالب بن علی بن محمد بن الحسين بن علی بن عبیدالله بن العباس بن الحسن بن عبیدالله بن العباس بن علی (۱۰) / منتقلة، ۱۸۳ / نقیب B// ۳۹۱: (-V+2,-VI+1,-VI) II، ۲۲۰.

رملة / ۲ / XI، ۳۹۲

A(۱): هاشم ابوطالب بن زید بن الحسين بن طاهر بن يحيى بن الحسن بن جعفر بن عبیدالله بن الحسين بن علی بن الحسين بن علی (۱۱) / شجرة، ۱۵۱ / نقیب B// ۳۹۲: (-III+3,-V+1,-VI,-III+2,-V,-IV,-III) II، ۲۲۹.

یزد / ۴ / XI، ۳۹۲

A(۱): علی ابوالمعالی بن المطهر بن محمد بن الحسين بن علی بن الحسين بن محمد بن

جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی (۱۱) / شجرة، ۱۰۸ / نقیب / B: ۳۹۲
./۲۰۶، II / (-VI+1, -VI+1, -VI+1, -VII, -VI)

فرغانه / ۱ / XII، ۳۹۶

A(۱): الحسین ابو عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله بن
عبدالله بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی (۱۲) / شجرة، ۳۹؛ فخری، ۱۲۱،
نقیب // B: ۳۹۶ (-VI, +II) / ۷۶، II.

قصر ابن هبيرة / ۱-۱ / XI، ۳۹۷

B(۱): محمد ابو الحسن بن محمد بن القاسم بن محمد بن علی بن عبدالله بن علی بن
عبدالله بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی (۱۱) / تهذيب، ۲۲۵؛ منتقلة، ۱۲۸،
(مجدی، ۱۹۹) / نقیب // B: ۳۹۷ (-VII, -IV+2, -VI) // حوزة قضایی: حائر در
منتقلة، «القصر و الحائر» در تهذيب.

مدائن / ۲ (۱) / XII، ۴۰۱

A(۱): محمد ابو احمد بن محمد بن علی بن الحسین بن زید بن علی بن محمد بن عبدالله
بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی (۱۲) / مجدی، ۲۲۱ / نقیب // B: ۴۰۱
./۱۱۳، II / (-VII, -VI, -II+1)

بلاسغون / ۱ / XI، ؟ (زمان معیار برای نسل یازدهم ۴۰۲)

A(۱): عبدالمطلب بن الحسن بن الحسین بن الحسن بن محمد بن جعفر بن عبد الرحمان
بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۱) / لباب، ۶۲۵ / نقیب //.

قزوین / ۱-۱ / XI، ۴۰۲

A(۱): محمد ابوزید بن سیار بن محمد بن حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن
زید بن علی بن الحسین بن علی (۱۱) / لباب، ۵۹۲ / نقیب؛ زاهد؛ عالم / B: ۴۰۲
./ (-VII, -VI).

غزنه / ۶ (۵) / XI، ۴۳۱

A(۱): علی ابوطاهر بن عبیدالله بن محمد بن عبیدالله بن علی بن الحسن بن الحسین بن جعفر بن عبیدالله بن الحسین بن علی بن الحسن بن علی (۱۲) تاج الشرف / شجرة، ۱۵۳؛ فخری، ۶۳ / نقیب؛ نقیب النقباء در فخری / رئیس B/ ۴۳۱: ۷۳. II/ (-VII, -VI, -I+2, -I+2).

A(۲): زید ابو محمد بن الحسین بن علی بن موسی بن سلیمان بن داود بن جعفر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی (۱۱) / شجرة، ۱۹۷ / نقیب / نسابة B/ ۴۴۱: ۷۳. II/ (-VI+1, -VI+1, -VI+1, -VI+1, -VI+1, -VII, +II).

A(۳): علی ابوالقاسم بن الحسین بن حمزه بن القاسم بن جعفر بن عقیل بن جعفر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی (۱۱) جمال الدین / «لباب»، ۶۱۷؛ شجرة، ۱۹۸ / نقیب B/ ۴۴۵: ۷۴. II/ (-VI+1, -VI+1, -VI+1, -VI+1, -VII, -V, -I+3, -I+1).

آمل / ۵ / XII؟ (زمان معیار برای نسل دوازدهم ۴۳۷)

A(۱): محمد ابو جعفر بن القاسم بن احمد بن اسماعیل بن احمد بن عبیدالله بن محمد بن عبدالرحمان بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۲) / تهذیب، ۱۳۰؛ شجرة، ۵۶؛ فخری، ۱۵۱ / نقیب؛ نقیب النقباء در شجرة / کیا؛ امام؛ رئیس؛ رئیس الرؤساء I/ ۲۳.

A(۲): علی ابوالحسن بن احمد بن القاسم بن احمد بن جعفر بن احمد بن عبیدالله بن محمد بن عبدالرحمان بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۳) المستعین بالله / تهذیب، ۱۳۰؛ لباب، ۱۸۲، ۵۹۳؛ شجرة، ۵۶، ۱۳۴؛ فخری، ۱۵۱ / نقیب / فقیه؛ نسابة؛ امام A / وفات ۴۷۲ I/ ۲۴، II، ۲۲ / حوزة قضایی: «طبرستان بآمل» در تهذیب، طبرستان در لباب، «آمل و طبرستان» در فخری.

A(۳): الحسن ابو محمد بن عبیدالله بن محمد بن الحسن بن عبیدالله بن الحسن بن محمد بن الحسن بن علی (۱۳) / تهذیب، ۲۲۹؛ لباب، ۷۲۰؛ شجرة، ۱۵۵؛ فخری، ۶۴ / نقیب I/ ۲۳، II، ۲۲ / حوزة قضایی: طبرستان در تهذیب.

اسپیج‌باب / ۱ / XII،؟ (زمان معیار برای نسل دوازدهم ۴۳۷)

A(۱): الداعی بن الحسین بن اسماعیل بن محمد بن عیسی بن محمد بن جعفر بن عیسی بن علی بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی (۱۲) / لباب، ۶۲۵، ۶۵۱ / نقیب //

خجند / ۱ / XII،؟ (زمان معیار برای نسل دوازدهم ۴۳۷)

A(۱): علی ابوالحسن ناصر بن الحسین بن اسماعیل بن محمد بن عیسی بن محمد بن جعفر بن عیسی بن علی بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی (۱۲) / لباب، ۶۲۷ / نقیب / خطیب؛ محدث //

مراغه / ۱ / XII،؟ (زمان معیار برای نسل دوازدهم ۴۳۷)

A(۱): مهدی بن هادی بن عبیدالله بن احمد بن عبیدالله بن الحسن بن علی بن محمد بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی (۱۲) / لباب، ۵۹۰ / نقیب //

مرغینان / ۲ / XII (یا XIII)،؟ (زمان معیار برای نسل دوازدهم ۴۳۷، نسل سیزدهم ۴۷۲)

A(۱): a: الفضل (الله) ابو محمد بن الحسین (یا الحسن) بن اسماعیل بن محمد بن عیسی بن محمد بن جعفر بن عیسی بن علی بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی (۱۲) یا b: فضل الله بن الحسن بن ابوالقاسم بن محمد بن علی بن عبیدالله بن ابراهیم بن محمد بن حمزة بن عبیدالله بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی (۱۳) / لباب، ۶۲۷، ۶۵۱؛ شجرة، ۱۵۶؛ فخری، ۶۶ / نقیب // II، ۱۲۸.

طالقان / ۱ / XII،؟ (زمان معیار برای نسل دوازدهم ۴۳۷)

A(۱): علی ابوالحسن (ابوالحسین) بن احمد بن علی بن عبدالرحمان بن محمد بن الحسن بن محمد بن عبدالرحمان بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۲) / منتقلة، ۲۱۷؛ شجرة، ۵۷؛ فخری، ۱۵۴ / نقیب // II، ۱۸.

سامراء / ۱ / XIV، ۴۳۹

A(۱): علی ابوالحسن بن عیسی بن محمد بن عبد الله بن علی بن جعفر بن علی بن محمد بن

علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی (۱۴) / مجدی،
۱۳۵ / نقیب // A: دوست العُمَری (نگاه کنید به عمان شماره ۲) ۴۳۹: B (-V) / II، ۴.

سوراء / ۱ - ۱ / XIII، ۴۳۹

A(۱): علی ابوتغلب بن الحسن بن محمّد بن الحسن بن یحیی بن الحسین بن احمد بن
عمر بن یحیی بن الحسین بن زید بن علی بن الحسین بن علی (۱۳) / مجدی،
۱۷۲ / نقیب // A: وی العُمَری را ملاقات کرده است (نگاه کنید به عمان، شماره ۲)
۴۳۹: B (-III+4, -IV+3, -IV+3, -IV+3, -IV+3, -IV+2, -IV+2, -IV+1)
/ II، ۱۰.

رامهرمز / ۱ / XIII، ۴۴۴

A(۱): محمّد ابوالقاسم بن القاسم بن الحسن بن داود بن احمد بن یحیی بن الحسین بن القاسم
بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن الحسن بن الحسن بن علی (۱۳) قوام الشرف /
لباب، ۵۸۰: شجرة، ۲۷ / نقیب // B: ۴۴۴ (-IV+2, -V+1, -V, -IV) / I، ۲۲۸.

صغانیان / ۱ / XII، ۴۴۸

A(۱): علی ابوالفضل بن الحسین بن عبدالله بن الحسین بن محمّد بن الحسین بن عیسی
بن محمّد بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۲) / لباب، ۶۲۵ /
نقیب // B: ۴۴۸ (-IV+3, -VI+1) / II، ۲۱۷.

زنجان / ۱ / XII، ۴۴۸

A(۱): علی ابوالحسن بن زید بن محمّد بن احمد بن محمّد بن الحسین بن عیسی بن محمّد بن القاسم
بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۲) / لباب، ۵۸۹ / نقیب // B: ۴۴۸ (IV+3, -VI+1) / II.

سبزوار / ۴ / XIV، ۴۵۰

A(۱): علی ابوالحسن بن محمّد بن محمّد بن یحیی بن محمّد بن احمد بن
محمّد بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن علی بن الحسین بن علی (۱۴) /
لباب، ۴۷۵ (شجرة، ۱۷۳: فخری، ۸۱) / «سید النقباء» B: ۴۵۰.
/ II، +II، +III، -IV، +IV / I، ۲۰۵.

تفلیس / ۱ / XII، ۴۵۰

A(۱): طاهر بن الحسن بن عبیدالله بن الحسن بن ادريس بن محمد بن يحيى بن عبدالله بن موسى بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی (۱۲) / لباب، ۵۵۴ / نقیب // B: ۴۵۰ // (-V+2, -VII, -V).

کرمان / ۲ / XIII؟ (زمان معیار برای نسل سیزدهم ۴۷۲)

A(۱): تمیم ابوالهاشم بن زید بن علی بن محمد بن علی بن محمد بن علی بن القاسم بن محمد بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی (۱۳) / شجرة، ۱۰۸؛ فخری، ۲۹ / نقیب // II، ۸۸.

راوند قم / ۱ / XIII؟ (زمان معیار برای نسل سیزدهم ۴۷۲)

A(۱): طاهر ابوالمنصور بن محمد بن احمد بن محمد بن طاهر بن احمد بن محمد بن جعفر بن عبدالرحمان بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۳) / لباب، ۵۵۹ / نقیب / رئیس //.

سیرجان / ۱ - ۱ / XIII؟ (زمان معیار برای نسل سیزدهم ۴۷۲)

A(۱): زید ابوطالب بن محمد بن طاهر بن علی بن محمد بن علی بن ابراهیم بن محمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی (۱۳) / شجرة، ۹۰؛ فخری، ۱۶ / نقیب // II، ۱۲.

بُست / ۱ / XIV، ۴۷۴

A(۱): الحسن بن عبدالله بن حمزه بن داود بن القاسم بن عبیدالله بن طاهر بن الحسن بن جعفر بن عبیدالله بن الحسن بن علی بن الحسن بن علی (۱۴) / لباب، ۶۱۵ / نقیب // B: ۴۷۴ (-IV+2, -VI, -III+2, -III+2, -III+2) // حوزة قضایی: «بُست و رُخج»، اما در لباب، ۶۱۷ فقط بُست.

رُخج / ۱ / XIV، ۴۷۴^{۸۱}

A(۱): نگاه کنید به بُست (۱)

بغشور / ۱ / XIV، ۴۸۸

A(۱): علی ابوالحسن بن احمد بن مسلم بن الحسن بن علی بن احمد بن عبدالله بن داود بن سلیمان بن عبدالله بن موسی بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی (۱۴) / شجرة، ۱۵ / نقیب // B: ۴۸۸ (-VII)، II // ۲۰۸ / حوزة قضایی: کمونه آن را یعشور خوانده است.

استرآباد / ۳ / XIV، ۴۹۵

A(۱): محمد ابو جعفر بن جعفر بن علی بن زید بن علی بن عباس بن محمد بن جعفر بن عبدالرحمان بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۴) / فخری، ۱۵۰ / نقیب // B: ۴۹۵ (-I+3) //

ترمد / ۱ / XIV، ۵۰۵

B(۱): علی ابوالقاسم بن جعفر بن علی بن جعفر بن محمد بن عیسی بن موسی بن جعفر بن ابراهیم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی (۱۴) / الاظهر المنتجب الامجد مجدالدین اشرف الاشراف ذوالمناقب و المراتب علی الاطلاق سید الشرق و الغرب / لباب، ۵۷۳ (شجرة، ۸۷؛ فخری، ۱۳) / نقیب // A: در حکومت سنجر (حکومت ۱۱۱۸ / ۵۱۱ - ۱۱۵۷ / ۵۵۲) B: ۵۰۵ (+I)، I / ۲۴۱ //

آیه / ۲ (۱) XIV، ؟ (زمان معیار برای نسل چهاردهم ۵۰۷)

A(۱): محمد ابوالغیث بن حمزة بن محمد بن الحسین بن علی بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن علی بن الحسن بن علی (۱۴) / لباب، ۵۸۸ / نقیب / رئیس //

سرخس / ۲ (۱) XIV، ؟ (زمان معیار برای نسل چهاردهم ۵۰۷)

A(۱): محمد ابوعلی بن ابوالقاسم بن علی بن عبدالله بن الحسن بن مهدی بن الحسن بن الحسین بن علی بن احمد بن اسماعیل بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۱۴) شمس الدین / لباب، ۶۳۰ / نقیب //

اسفرائین / ۱ / XV، ۵۱۵

A(۱): الحسن بن حمزة بن اسماعیل بن احمد بن محمد بن الحسن بن القاسم بن حمزة بن محمد بن جعفر بن عیسی بن علی بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی (۱۵) صلاح السادة / لباب، ۶۸۰ / نقیب // A: وفات ۵۴۰ //.

طخارستان / ۱ / XV، ۵۲۴

A(۱): علی بن الحسین بن علی بن الحسین بن عبیدالله بن محمد بن عبیدالله بن علی بن الحسن بن الحسین بن جعفر بن عبیدالله بن الحسن بن علی بن الحسین بن علی (۱۵) / شجرة، ۱۵۳؛ فخری، ۶۴ / نقیب // B: ۵۲۴ (2+III-IV+2) / II، ۲۴ //.

ولوالج / ۱ / XIV، پس از ۵۳۹

A(۱): حیدر ابوشجاع بن محمد بن حمزة بن علی بن عیسی بن علی بن الحسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی (۱۴) قطب الدین / لباب، ۵۸۴ / نقیب / نسابة // A: شکوفایی پس از ۵۳۹ //.

«حضرت» / ۱ / XV:؟ (زمان معیار برای نسل پانزدهم ۵۴۲)

B(۱): الحسن ابوطالب بن زید بن الحسین بن محمد بن الحسن بن علی بن احمد بن محمد بن جعفر بن عبیدالله بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی (۱۵) / لباب، ۱۸۴، ۷۲۰ (شجرة، ۹۱؛ فخری، ۱۷۰) / نقیب / «مصنّف کتاب دیوان الانساب» // الزنجانی.

طرابلس؟ / ۱ / IXX، پیش از ۵۵۸

A(۱): حیدر ابوتراب بن احمد بن هبة الله بن حیدر بن عبیدالله بن الحسن بن موسی بن عبیدالله بن الحسن بن الحسین بن موسی بن عبیدالله بن الحسن بن علی بن احمد بن علی بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی (۱۹) / لباب، ۶۷۱ / نقیب / تألیف لباب در ۵۵۸ (لباب، ۷۲۹).

دهستان / ۱ / XVII، ۵۸۰^{۸۲}

A(۱): المنتهی بن ابوالبرکات بن ناصر بن محمد بن القاسم بن محمد بن الحسن بن زید

بن محمد بن علی بن محمد بن علی بن علی بن الحسن بن علی بن علی بن الحسن بن علی بن علی بن علی (۱۷) جمال الدین/فخری، ۶۹، ۸۳، ۱۰۸، ۱۴۸ / نقیب A//: استاد المروزی الازورقانی (مؤلف فخری، شکوفایی در حدود ۶۰۰، نگاه کنید به 72 (Morimoto, "Genealogical Literature", I/۱۴۰، حوزه قضایی: «جرجان و دهستان» در فخری، ۸۳، جرجان در دیگر منابع.

خوارزم / ۱ / XVIII یا XIII، ۶۰۶

(۱) A: a: عمر بن علی بن الحسن بن نوفل بن محمد بن الحسن بن اسحاق بن علی بن صالح بن محمد بن موسی بن عبدالله بن موسی بن عبدالله بن موسی بن علی بن الحسن بن علی (۱۸) یا b: عمر (المرتضی) بن علی بن الحسن بن نوفل بن محمد بن الحسن بن صالح بن موسی بن عبدالله بن موسی بن علی بن الحسن بن الحسن بن علی (۱۳)/فخری، ۹۰ / نقیب A//: در زمان تألیف فخری (=۶۰۶) b-B: ۴۸۸ (VI, -VII, -I), ۲۰۵ / المروزی الازورقانی می‌گوید که هیچ کدام از دو نسب‌نامه نمی‌تواند درست باشد.

عدن / ۱ (۰) / ؟، ؟

علی ابوالحسن بن هادی بن عبیدالحسینی (؟) / لباب، ۵۸۰ / نقیب / ملک //.

در بند / ۱ (۰) / ؟، ؟

آدم ابوالبشر بن علی بن الحسن الموسوی (؟) جمال‌الدین سیدالسادات الایران و الشروان / لباب، ۵۵۱ / نقیب //.

حران / ۱۰ / ؟، ؟

اخلاف علی ابوالقاسم بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن جعفر بن محمد بن علی (< ۹) / فخری، ۱۶۷ / نقباء // «له اعقاب امراء و علماء و نقباء».

سواد / ۱ (۰) / ؟، ؟

محمد بن محمود بن المعمر، من اقارب السيد الاجل الطاهر ببغداد / لباب، ۵۳۹ / نقیب // حوزه قضایی: «نقیب مقابر قریش و السواد».

پی‌نوشت‌ها:

در ابتدا سپاس خود را نسبت به پرفسور رابرت دی. مک چسنی به خاطر اظهارنظرهای مفید و نیز همکاری در ترجمهٔ این مقاله به زبان انگلیسی ابراز می‌دارم. همچنین از پرفسور حسین مدرّسی سپاسگزارم که لطف فرموده و شرح و نظر خود را برای مقاله ابراز کردند.

۱. منسوبان نسبی [حضرت] محمد [ص] در دوره‌های مختلف و در مناطق گوناگون به اسامی مختلف نامیده می‌شدند. در این مقاله، برای راحتی کار از عنوان سیدها استفاده خواهد شد.
۲. در اینجا کاربرد عبارت اهل بیت گرایي از یک طرف برای نشان دادن احترام و تکریم نسبت به سیدهاست و از طرف دیگر، بیانگر آن است که هیچ کدام از فرقه‌های رسمی شیعه منظور نظر نیست. چاپ اخیر کتاب المدخل الی تاریخ آل البيت (عمان: جامعة آل البيت، ۱۹۹۸) از فاروق عمر فوزی برای استفادهٔ دانشجویان دانشگاه آل البيت، نمونهٔ خوبی است. این کتاب اهل البيت گرایي دستگاه حاکمه اردنی را نشان می‌دهد، درحالی که خانوادهٔ سلطنتی از نوادگان علی محسوب می‌شوند.
۳. گزارشهای این همایش که به ریاست بیانکاماریا اسکارجیا آمورتی در رم برگزار گردید، در Oriente Moderno 18-2 (1999) چاپ شده است.
۴. نگاه کنید به کازوئو موریموتو، "Research Trends of Sayyid-Sharifology" (in Japanese), *Chūtō, Kenkyū* 448 (1999). Kaj Öhrnberg, *The Offspring of Faṭima: Dispersal and Ramification*, *Studia Orientalia* 54, (Helsinki The Finnish Oriental Society, 1983)
- تتها پژوهش چاپ‌شده دربارهٔ «پراکندگی و انشعاب» سیدها است، اما بیشتر شبیه یک ترجمهٔ جدید از مواد خام است، و عمدتاً شامل جدولهای تبارشناسی است.
۵. طالبی‌ها از سلالهٔ ابوطالب، پدر علی و عموی پدری پیامبر، هستند. در منابع و مآخذ موجود، «طالبی‌ها» (الطالبیون) و «منسوبان به علی» (العلویون) غالباً هر دو، بدون توجه به اختلافهایی که در معنای دقیق آنهاست، به جای هم برای تعیین و نام‌گذاری منسوبان به علی استفاده شده است. این نوادگان منسوب به علی هستند که سید یا شریف نامیده شده‌اند. برای دلیل انتخاب استفاده از واژهٔ «طالبی‌ها» و نه هیچ کدام دیگر از گروه‌بندی‌ها در اینجا، نگاه کنید به: Kazuo Morimoto, "The Formation and Development of the Science of Talibid Genealogies in the 10th & 11th Century Middle East," *Oriente Moderno* 18-2 (1999), 544, n.8.
۶. الماوردی، الاحکام السلطانیة (قاهره: مصطفى البابی، تجدید چاپ، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۸ هجری / ۱۹۷۸)، ۹۶.
۷. نگاه کنید به Morimoto, "The Formation," 557 f. و مطالبی که آنجا گفته شده است.
۸. الماوردی، الاحکام، صص ۹۹ - ۹۶.
9. A. Havemann, s.v. "Naḳīb al-Ashraf," in *Encyclopaedia of Islam*, new ed., 7: 926.
10. Adam Mez, *Die Renaissance des Islams* (Heidelberg: C. Winter, 1922), 145; C. van

Arendonk, s.v. "Sharīf," in *Encyclopaedia of Islam*, 1st ed., 4: 324-29, new ed. (revised by W.A. Graham), 9: 329-37. Mez is based on 'Arīb b. Sa'd al-Qurībī, *Ṣiḥa Ta'rīkh al-Ṭabarī*, ed. M. J. de Goeje (Leiden: E. J. Brill, 1965), 47. His view was followed by Herbert L. Bodman, *Political Factions in Aleppo, 1760-1826* (Chapel Hill: The University of North Carolina Press, 1963), 85; Havemann, s.v. "Naqīb," in *Encyclopaedia of Islam*, new ed., 7: 926.

در این منبع به ابن طومار فقط به عنوان «الهاشمی» اشاره شده، اما این کلمه یک مترادف برای «العباسی» در منابع مربوط به دوره‌های بعدی عباسیان است. در برابر این پژوهشگران، امیل تیان وقتی می‌گفت که نهاد نقیبی هردو شاخه خاندان هاشمیان گاه توسط یک نقیب اداره می‌شد، «نظریه تقسیم» را در نظر نداشت. نگاه کنید به:

Histoire de l'organisation judiciaire en pays d'Islam, 2nd ed. (Leiden: E. J. Brill, 1960), 553.

11. Louis Massignon, "Cadis et naqibs baghdadiens," *Wiener Zeitschrift für Kunde des Morgenlands* 51 (1948), 113.

ماسینیون هیچ شاهی ارائه نمی‌دهد. هربرت پاس نظر او را در:

Chalif und Grosskönig: Die Buwiden im Iraq (Beirut: In Kommission bei F. Steiner, Wiesbaden, 1969), 281.

دنبال کرد. توجه کنید که ماسینیون با «نظریه تقسیم» همراه نیست.

12. Van Arendonk, s.v. "Sharīf," *EI* 326, *EI* 2, 333

(«ربع سوم قرن نهم» آن چیزی است که من از عبارت تقریباً مبهم وان اردانک در می‌یابم. واژه اصلی وان اردانک برای «نقیب بزرگ»، «مارشال بزرگ» است. ظاهراً هافمن در 926 s.v. "Naqīb," از او پیروی کرده است. گفته بادمین که «اشاره به نقیب‌ها در قرن نهم هجری یافته می‌شود، و نه پیش از آن» باید به عنوان اشاره به نهاد نقیبی پیش از انشعاب ادعا شده فهمیده شود (Bodman, *Political Factions*, 82).

13. Alfred von Kremer, *Kulturgeschichte des Orientes unter den Chalifen*, 2 vols., (Wien, 1875, repr., Aalen: Scientia Verlag, 1966), 1: 449; van Arendonk, s.v. "Sharīf," *EI*, 326, *EI*2, 333; Tyan, *Histoire*, 552.

14. Mafizullah kabir, *The Buwayhid Dynasty of Baghdad* (Calcutta: Iran Society, 1964), 187; Reuben Levy, *Baghdad Chronicle* (Cambridge, 1929, repr., Philadelphia: Porcupine press, 1977) 161.

کیبر به پسر ابن طومار اشاره می‌کند که در سال ۳۰۱ هـ / ۹۱۴ جانشین پدرش شد، اما توضیح نمی‌دهد که چرا چنین فکر می‌کند که تقسیم این نهاد تا شروع حکومت معزالدوله بر بغداد به درازا کشید.

15. van Arendonk, s.v. "Sharīf," *EI*, 326, *EI*2, 333. See also al-Mas'ūdī, *Murūj al-Dhahab wa Ma'ādīn al-Jawhar*, Muḥammad Muḥyī al-Dīn 'Abd al-Ḥamīd ed., 4 vols., 4th ed. (Cairo: al-Maktaba al-Tijārīya al-Kubrā, 1384-85 A.H.), 4: 151.

۱۶. تیان، اگرچه از نقابت بزرگ سخنی نمی‌گوید، اما نظر مشابهی را ارائه می‌دهد (553). *Histoire*.

17. Mez, *Die Renaissance*, 145; van Arendonk (W. A. Graham), s.v. "Sharīf," *EI2*, 333.

تخمین گراهام دربارهٔ دورهٔ زندگی سید الاجل یحیی الزبارة، نقیب نیشابور قابل قبول نیست. گراهام به مخدوش بودن منبعی که به واسطهٔ کلیفورد ادموند پاس ورث از آن نقل قول کرده است توجه نداشت. *The Ghaznavids* (Edinburgh, 1963, repr., New Delhi: Munshiran Manoharlal Publishers, 1992), 196.

یحیی در نیمهٔ دوم قرن دهم در دورهٔ شکوفایی عمر خود بود (لباب=ابن فندق، لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، مهدی الرجائی، تصحیح، در دو بخش، (قم، مکتبهٔ آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰ هـ)، ص ۴۹۷، ص ۵۰۰، ص ۵۰۱). آنچه باید دربارهٔ علی بن جعفر، نقیب بغداد، گفت اینکه نام او علی بن جعفر بن علی الرضا، چنانکه گراهام فکر می‌کرد، نبود، بلکه نام او علی بن جعفر بن علی بن محمد بن علی الرضا بود. اما این نکته ارزش و اعتبار محاسبه و ارزیابی گراهام را خدشه دار نمی‌کند.

(see Hossein Modarressi, *Crisis and Consolidation in the Formative Period of Shi'ite Islam* (Princeton, NJ: The Darwin in Press, 1993), 83).

۱۸. برای تفصیل این خبرها رجوع کنید به منابع ذکرشده در یادداشت‌های بعدی، همچنان که به Morimoto, "Formation," 558f.

19. Jamāl al-Dīn al-Qāsimī, *Sharaf al-Asbāt* (Damascus: Maṭ ba'a al-Taraqī, 1331 A.H.), 7; 'Abd al-Razzāq Kammūna al-Husaynī, *Mawārid al-Iṭḥāf fī Nuqabā' al-Ashrāf*, 2 vols. (Najaf: Maṭ ba'a al-Ādāb, 1388 A.H./1968), 1:6f. (but in 1:44 and 2:115 he also says the office was founded in the Buyid period); Shihāb al-Dīn al-Mar'ashī al-Najafī, "Kashf al-Irtiyāb" in *Lubāb*, 27f.

20. Ḥ. Mudarrisī Ṭabāṭaba'ī, "Sukhanī chand darbārah-i niqābat-i sādāt wa barnāmah-i kār-i naqīb," *Āyandah*, 5 (1358Kh.), 756 f.

مدرسی دو نظر دیگر را نیز مطرح کرده است که اهمیت چندانی هم برای آنها قائل نیست: (۱) اصل و اساس پویه‌ای، (۲) وجود این نهاد در زمان پیامبر. او دومین نظر را قویاً رد کرده است.

21. 'Alī Raftī Ālāmarvedaštī, "L'origine della niqābat al-āsrāf nella storia dell'Islam," *Oriente Moderno* 18-2 (1999), 308-10.

رفیعی همچنین به ابن طومار، همان نقیب عباسیان و طالبی‌ها، اشاره می‌کند.

22. Mudarrisī, "Sukhanī chand," 757f.

23. About this work, see also n.33 below

24. Morimoto, "The Formation."

منظور من از پراکندگی سیدها، پدیده‌ای است متفاوت از کوچ و تحرک صرفاً جغرافیایی طالبی‌ها، که می‌تواند شامل گریزهای گاه و بیگاه شورشیان طالبی‌ها به مناطق دوردست هم باشد. در اینجا توجه من به اقامت پایدار و مستمر سیدها در جغرافیایی وسیع و آمیزش و ادغام آنها در جوامع محلی است.

25. *Sirr*=Abū Naṣr al-Bukhārī, *Sirr al-Silsila al-'Alawīya*, ed. Muḥammad Ṣādiq Baḥr al-'Ulūm

(Najaf: al-Maṭba'a al-Ḥaydariya, 1383 A.H./ 1963); Tahdhīb=Shaykh al-Sharaf al-'Ubaydilī, *Tahdhīb al-Ansāb wa Nihāya al-A'qāb*, ed. Muḥammad Kāzīm al-Maḥmūdī (Qum: Maktaba Āya Allāh al-Mar'ashī, 1413 A.H.); Majdī=al-'Umarī, *al-Majdī fī Ansāb al-Ṭalibīyīn*, ed. Aḥmad al-Mahdawī al-Dāmghānī (Qum: Maktaba Āya Allāh al-Mar'ashī, 1409, A.H.); *Muntaqila*=Abū Ismā'īl al-Ṭabāṭabā'ī, *Muntaqila al-Ṭalibīya*, ed. Muḥammad Mahdī Ḥasan al-Khursān (Najaf: al-Maṭba'a al-Ḥaydariya, 1388 A.H./1968); *Lubāb; Shajara*=Fakhr al-Dīn al-Rāzī (attrib.), *al-Shajara al-Mubāraka fī Ansāb al-Ṭalibīya*, ed. Mahdī al-Rajā'ī (Qum: Maktaba Āya Allāh al-Mar'ashī, 1410 A.H.); *Fakhrī*=al-Marwazī al-Azwarqānī, *al-Fakhrī fī Ansāb al-Ṭalibīyīn*, ed. Mahdī al-Rajā'ī (Qum: Maktaba Āya Allāh al-Mar'ashī, 1409 A.H.). For these source materials see Kazuo Morimoto, "Genealogical Literature on Sayyids: Potentials of an Unnoted Type of Source" (in Japanese), *Ajia Afurika Rekishi Shakai Kenkyū* 1 (1996). *Sirr* only contains the genealogies of the 'Alids.

۲۶. بنابر آنچه من می‌دانم، از دوره‌های مورد بحث هیچ کتابی در موضوع، طبقات نقیب‌های طالبی‌ها همچون کتابی که توسط ابن الساعی نوشته شده (بدری محمد فهد، تاریخ العراق فی العصر العباسی الاخير (ص ۵۵۲-۶۵۶) (بغداد: مطبعة الارشاد، ۱۹۷۳)، ۲۴۲)، به جا نمانده است.

27. Morimoto, "The Formation."

۲۸. لباب ۶۳-۵۲۵. مؤلف فخری می‌گوید که یکی از مقاصد وی در تألیف این اثر آن بود که می‌خواسته است «شرحی از... نقیب‌های بزرگ (النقباء الکبار)» ارائه دهد (فخری، ۵). تعداد نقیب‌های منفرد به اضافه خاندانهایی که اعضای نامشخص آنها عهده دار مقام نقیبی بوده‌اند در هریک از آثار تبارشناسی عبارت است از: سر: ۹؛ تهذیب: ۹۷؛ مجدی: ۱۰۳؛ منتقلة: ۷۸؛ لباب: ۱۲۶؛ شجرة: ۱۶۳؛ فخری: ۲۲۱.

29. Morimoto, "The Formation.", 555f.

۳۰. الجلی (العلامة)، الاجازة الکبيرة لبني زهرة، در بحار الانوار از محمد باقر المجلسی، ۱۱۰ جلد، چاپ سوم (بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هجری / ۱۹۸۳)، ۱۰۷: ۶۱. اما توجه داشته باشید که این کتاب اجازة در سال ۷۲۳ هجری تاریخ خورده است، مدتها پس از آثار تبارشناسی که در این مطالعه از آنها استفاده شده است.

31. See H. L. Beck, "The Nikabat al-ashraf in Morocco and Indonesia," in C. van Dijk and A. H. de Groot eds., *State and Islam* (Leiden: Research School CNWS, 1995); Devin DeWeese, "The Descendants of Sayyid Ata and the Rank of Naqīb in Central Asia," *Journal of the American Oriental Society* 115 (1995). The *naqībship* in Central Asia as shown by DeWeese had somewhat particular features.

۳۲. آنها که عنوان نقیب بزرگ (نقیب النقباء) را داشتند، و جانشین نقیب (خلیفه، نایب) یا دیگر نامگذاری‌های مربوط به این نهاد را داشته‌اند نیز در این فهرست آمده‌اند. مجبور بودم خودم این فهرست را تهیه کنم، زیرا فهرست تحسین پرانگیز و فوق‌العاده نقیب‌ها، یعنی موارد کمونه، خیلی کم قابل اعتماد است. کمونه

ضرورتی نمی‌دید که منابع خود را به صورت دقیق مشخص کند. به علاوه، در موارد زیادی به اشخاصی رسیدم که براساس منابعی که مورد استفادهٔ من نیز قرار داشته، کمونه آنها را نقیب دانسته است، اما نتوانستم مطالب مناسبی دربارهٔ آنها بیابم، دست‌کم در نسخه‌های چاپ شدهٔ این منابع (کمونه از نسخه‌های خطی استفاده می‌کرد). جای تأسف است که من نمی‌توانم علم و تبخّر کمونه را به کار بندم. فهرستهای دیگری از نقیب‌های یک حوزهٔ قضایی خاص نیز وجود دارد (محمد حسن آل یاسین، نقباء المشهد الکساظی، الاقلام، ۳-۴ (۱۹۶۵)؛ Busse, *Chalif und*؛ Massignon, "Cadis et naqībs", *Grossköning*, 295-97؛ فهد، تاریخ العراق (۲۴۱-۲۴۳). اضافه بر چهارصد و هشتاد نقیب، ذکر چهل و چهار خانواده به چشم می‌خورد که در بیشتر موارد به صورت موروثی، مقام نقیبی مذکور را داشتند. بعضی از افراد مذکور در بالا به این دستهٔ دوم تعلق داشتند.

۳۳. نقطهٔ شروع این شمارش نسلی (نسل شمارهٔ ۵) در این مطالعه، نسل علی، جعفر و عقیل، فرزندان ابوطالب، است. علی زین العابدین بن الحسین بن علی به عنوان مثال متعلق به نسل دوم است.

۳۴. نقیب‌هایی که به دو حوزهٔ قضایی مربوط بودند در اینجا دو بار شمرده شده‌اند (سه نفر این‌گونه بودند).

۳۵. مسوط گونه‌ای از نگارش است که تبارشناسی‌ها در متن نوشتار توصیف می‌شدند، نه به صورت ارائهٔ نمودار.

۳۶. از صد و چهل و دو نفری که به عنوان نقیب‌های اولیه تعیین شدند، تنها برای نوزده نفر از آنها توانستم اطلاعات صریحی در ارتباط با دورهٔ زندگی آنها به دست آوردم.

۳۷. ابوالفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبيين، تصحیح احمد صقر (قاهره، تجدید چاپ، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۴ هجری). گزینش این منابع بر پایهٔ غنای اطلاعات مناسب در آنها و انسجام و صحّت گزارشهای تبارشناسی در آنهاست، نکتهٔ اخیر از جهت ایجاد ارتباط بین این افراد با نقیب‌ها حائز اهمیت است.

۳۸. در اینجا توزیع این افراد بر حسب شمارهٔ نسلی آنها ارائه می‌گردد:

نسل	۱ تا چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	سیزدهم	چهاردهم	پانزدهم	شانزدهم	هفدهم تا نوزدهم
بسامد	۶۱	۶۲	۷۱	۹۶	۹۵	۵۰	۴۳	۷۱	۶۸	۳۶	۱۲	۷	۱۷	۱۷

۳۹. هیچ دانش قطعی دربارهٔ میانگین طول عمر افراد در قرون اولیهٔ اسلام نداریم. در مورد طول عمر علما، بیشتر محدث‌ها، پژوهشگران به اجماع شگفت‌انگیز حدود هفتاد و پنج تا هشتاد و پنج سال قمری رسیده‌اند، برپایه نوشته‌های موجود در طبقات (نگاه کنید به جان ای. نواس، پیشرفت علوم مذهبی اسلامی در دورهٔ اولیه اسلام و پس از آن: شیوه‌ای تطبیقی، المساق ۱۱ (۱۹۹۹)، ۱۶۱ آنجا که مطالعات مربوط به بحث ذکر شده‌اند. به علاوه، نگاه کنید به ریچارد دیلیو، پولیت، روشی کمی در بررسی فرهنگهای زندگینامهٔ مسلمانان دوره‌های میانه، «مجله تاریخ اقتصادی و اجتماعی شرق» ۱۳ (۱۹۷۰)، ۲۰۰؛ همان، «گرویدن به اسلام در دوره‌های میانه» (کمبریج، ام. ای و لندن: هاروارد یو.پی، ۱۹۷۹)، ۱۹. اما باید در نظر داشته باشیم که

این طول عمر احتمالاً یکی از دلایل کسب وجاهت کافی برای ذکر شدن در منابع بوده است، به ویژه برای محدث‌ها. از طرف دیگر، ابن خلدون و بهاء ولد، پدر مولانا رومی، میانگین طول عمر مسلمانان را بین شصت تا هفتاد سال می‌دانستند، بنا به یک حدیث از پیامبر (ابن خلدون، المقدمة، تصحیح عبدالوحد وافی، ۳ جلد، چاپ سوم (قاهره: دار نهضة مصر للطبع و النشر، بدون تاریخ)، ۲: ۵۴۵؛ بهاء ولد، معارف، ۲ جلد، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، (تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۳۳ خورشیدی، چاپ دوم، ۱۳۵۲ خورشیدی)، ۱: ۳۵۴). در اینجا از همکاران عضو در فهرست H-Mideast-Medieval تشکر می‌کنم که بسیاری از این منابع را به نظر من رساندند.

۴۰. درباره العُمَری، نگاه کنید به Morimoto, "The Formation," 549f. آنچه در آنجا نقل شده است. ۴۱. شخصی که به نسل هفتم تعلق داشت چهره‌ای استثنایی بود. او که به عنوان قعدد شناخته می‌شد، در میان یک نیای مشترک، از بین همه فرزندان علی از کوتاهترین نسب نامه برخوردار بود (مجدی، ۲۵۰). ۴۲. همه این افراد به دودمان علی تعلق داشتند.

۴۳. Bulliet, *Conversion*, 21 (سی و چهار سال قمری، بر پایه تاریخ‌های محلی نیشابور). ابن خلدون، المقدمة، ۲: ص ۵۴۷ (سه نسل یک صد سال می‌شود). بر پایه این میانگین طول عمر یک نسل، نمودار پایین دوره‌های معیار فرضی مربوط به اوج شکوفایی زندگی طالبی‌های نسلهای مختلف را نشان می‌دهد.

نسل	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	سیزدهم	چهاردهم	پانزدهم
سال (هجری)	۲۲۷	۲۶۲	۲۹۷	۳۳۲	۳۶۷	۴۰۲	۴۳۷	۴۷۲	۵۰۷	۵۴۲

۴۴. بنابراین، من به‌طور یکسان بیست و پنج را از تاریخ وفات کم کردم تا عمر یک خویشاوند را به دست آورم، حتی وقتی سن فرد در زمان مرگ روشن بود (البته این موارد آن قدر زیاد نبود که شیوه خودم را تغییر دهم). نمونه‌ای از این ارزیابی چنین است: تقیب (در فهرست ضمیمه، مدینه شماره ۲): یحیی ابوالحسن بن الحسن بن جعفر بن عبیدالله بن الحسن بن علی بن الحسن بن علی / نسل هفتم. تاریخ ولادت و وفات او هر دو در دست است: ۲۱۴ = ۷۷ هجری. خویشاوندان او اینها هستند: (۱) الحسن (نسل ۱)؛ وفات ۲۲۱ در سن سی و هفت (مجدی، ۲۰۳)، بنابراین شکوفایی عمر او در سال ۱۹۶. (۲) طاهر بن یحیی (نسل ۱+): شکوفایی در حکومت المقتدر (حکومت ۹۰۸ / ۲۹۵ = ۹۳۲ / ۳۲۰) (مقاتل، ۵۵۱)، بنابراین بر اساس محاسبه، شکوفایی ۳۰۸. (۳) جعفر (نسل ۲): زندانی شده توسط ابوالبختری (همچنین) وهب بن وهب که در حکومت الرشید (حکومت ۷۸۶ / ۱۷۰ = ۸۰۹ / ۱۹۳) فعال بوده (سر، ۷۲)، بنابراین بر اساس محاسبه، شکوفایی در سال ۱۸۲ (۴) عبیدالله بن الحسن (نسل ۱+۱): کشته شده به همراه الکوکبی، در شورش قزوین (مقاتل، ۵۵۸)، بنابراین بر اساس محاسبه، شکوفایی در سال ۲۵۶. (۵) عبیدالله (نسل ۳): شکوفایی عمر در خلافت سَفَّاح (حکومت ۷۴۹ / ۱۳۲ = ۷۵۴ / ۱۳۶) (مجدی، ۱۹۵)، بنابراین بر اساس محاسبه، شکوفایی در ۱۳۴. (۶) الحسن بن جعفر (نسل ۲+۱): وفات ۲۲۶ در سن چهل و هشت سالگی (مجدی، ۲۰۳)، بنابراین بر اساس محاسبه، شکوفایی در سال ۲۰۱. (۷) طاهر بن الحسن بن طاهر بن یحیی (نسل ۳+): این شخص توسط المتنبی

در سوریه مدح شده است (شجره، ۱۵۰؛ فخری، ۶۱)، بنابراین بر اساس محاسبه، شکوفایی در سال ۳۳۰. برپایهٔ دورهٔ زندگی خویشاوندان فوق، ارزیابی‌ها چنین است: (۱) ۲۳۱؛ (۲) ۲۷۳؛ (۳) ۲۵۲؛ (۴) ۲۵۶؛ (۵) ۲۳۹؛ (۶) ۲۳۶؛ (۷) ۲۲۵. ارزیابی نهایی چنین است:

$$\{ 231 + 273 + \frac{(252 + 256)}{2} + \frac{(239 + 236 + 225)}{3} \} = 247/8$$

۴۵. نگاه کنید به جدول بالا در شمارهٔ ۳۸.

۴۶. اکنون از گفتهٔ پیشین خودم که «تقریباً مشخص» بود که نهاد نقیبی در عراق شکل گرفت (559 "The Formation," انصراف می‌دهم).

47. See Dominique Sourdel, "La politique religieuse des successeurs d'al-Mutawakkil," *Studia Islamica* 13 (1960).

از میان سه خلیفه، دیدگاه‌های موافق المنتصر نسبت به علویون به‌ویژه در منابع تأکید شده است.

۴۸. توجه داشته باشید که تنها کسی که به عنوان نقیب برای یمامه ثبت شده ممکن است در واقع یک نقیب نبوده باشد (نگاه کنید به فهرست ضمیمه).

۴۹. دربارهٔ خاندان اخضر، نگاه کنید به عبداللطیف نزار، «امارة بنی الاخضر فی الیمامه»، *مجلة كلية الآداب جامعة بغداد* ۲۱-۲ (۱۹۷۷)؛ عمر فوزی، المدخل، ۲۸۶-۲۸۸.

۵۰. به‌ویژه، وقتی به اندازهٔ چهل و پنج نقیب برای بغداد ثبت شده است، توجه کنید که مرکز شبکهٔ اطلاعات دانش تبارشناسی طالبی‌ها عراق بوده است (552 "Formation," Morimoto).

۵۱. غیبت واقعی نقیب‌ها در سامره (تنها یک نقیب برای سال ۴۳۹ هـ / ۱۰۴۷-۱۰۴۸ م) نیز مسئله دیگری است. دلیل آن را شاید بتوان به سادگی به ویژگی اساسی این شهر به عنوان اردوگاه سپاهیان خلیفه مربوط دانست. جالب است اگر دلیل آن را تقابل و تضاد اغراض سیاسی بین بغداد و سامره بدانیم که منجر به واقعهٔ تصرف بغداد و پایان خلافت مستعین شد.

۵۲. برای آشنایی با زندگی این دو تبارشناس، نگاه کنید به 549f. "The Formation," Morimoto و مطالب نقل شده در آنجا.

۵۳. برای آشنایی با زندگی او نگاه کنید به همان جا.

54. Mudorriss ī, "Sukhan-ī chand," 757 f.

۵۵. برای انتصاب‌های بغداد، نگاه کنید به اسناد انتصاب‌ها، نقل شده در 557 "The Formation," Morimoto. 58n: در مورد الناصر نیز نگاه کنید به خراسان، شمارهٔ ۳ در فهرست ضمیمه.

۵۶. سز، ۶۷؛ تهذیب، ۲۱۸؛ مجلدی، ۱۲۶، ۱۷۱، ۱۸۵؛ شجره، ۱۳۹؛ فخری، ۵۱.

۵۷. مسعودی، مروج، ۵۱:۴. او چنین می‌نویسد: «وكانَ علی بن محمد الجُمَانی نقیب بالكوفة و شریف و مدُرس و إسمان، و لم یکن احدٌ بالكوفة مِن آل علی بن ابی طالب یَتَقَدَّمُهُ فی ذلک الوقت.»

۵۸. ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، کارلوس یوهان تورنبرگ، جلد ۱۳ (بیروت: دار صادر، ۶۷ - ۱۹۶۵)، ۶۱۷:۱۰.

۵۹. ممکن است کسی استدلال کند که مورد زینبی با ابن طومار فرق می‌کند، زیرا در آن مورد یک نفر در آن واحد دو مقام نقیبی را با هم داشت است، نه یک مقام نقیبی واحد را. اما فردی که متعلق به خاندان عباسی

بود می‌توانست تنها در صورتی عهده دار مقام نقیبی علویون شود که صلاحیت وی به عنوان یکی از افراد خاندان هاشمیان تأیید شده باشد، زیرا یک عباسی نمی‌تواند یک علوی باشد. یک نقیب می‌بایست از میان گروه خویشاوندی که عهده دار امور آنان می‌شد برگزیده شود.

60. Massignon, "Cadis et neqībs," 111.

61. al-Tabarī, *Ta'rīkh al-Rusul wa al-Mulūk*, M. J. de Goeje et al. eds., 15 vols. (Leiden: E. J. Brill, 1879-1901), 3:354, 359, 369, 1434, 1515 et passim; al-Khaṭīb al-Baghdādī, *Ta'rīkh Baghdād*, 15 vols. (Beirut: Dār al-Kutub al-Ilmīya, n.d.), 1:384-87, 11:41.

هر دو نفر آنها چندین بار عهده دار منصب اماره الحاج شدند که نقیب‌های بعدی نیز اغلب این منصب را هم بر عهده داشتند.

۶۲. حتی برای بغداد نقیب‌هایی را می‌شناسیم که متعلق به نسل هشتم بوده و در نتیجه در دوران قدیم به شکوفایی عمر خود رسیده‌اند، اگرچه نمی‌دانیم آیا پیش از این طومار عهده دار این منصب بوده‌اند یا نه (نگاه کنید به فهرست ضمیمه).

۶۳. بر عکس، یک طالبی که هم نقیب طالبی‌ها بود و هم عباسیان، در نیمه دوم قرن دوازدهم در حلب شناخته شده است (Bodman, *Political Factions*, 89). در این مطالعه، نمی‌توانم از نهاد نقیبی عباسیان سخن گویم. مقایسه این نهاد‌های دو قلو که قرابت زیادی با هم داشتند موضوع مطالعات آینده خواهد بود.

۶۴. در فهرست ضمیمه، نگاه کنید به کوفه شماره ۳.

۶۵. ابن عنبه، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، تصحیح محمد حسن آل الطالقانی، چاپ دوم (نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ هجری / ۱۹۶۱)، ۲۷۴. نسخه‌ای خطی از این مُهَنَّا العیبدلی (وفات ۶۷۵ / ۱۲۷۶-۱۲۷۷)، تذکره الانساب نیز همین سان شناسایی کرده است (نسخه خطی ۳۶۲۶، آستان قدس، ۸۹ ب؛ نیز نقل شده در المرعشی، کشف، ۲۸). اما این نسخه شامل اضافات بعدی است که تبارشناسی صفویه را تا شاه سلطان حسین دربر می‌گیرد (همان‌جا: ۶۳ ب) و امکان اینکه این خبر هم بخشی از برافزوده‌های بعدی باشد نمی‌توان نادیده گرفت. دو نسخه دیگر از همان اثر خبر مورد بحث را ندارند (نسخه ۸۹۱۵ آستان قدس، ۸۹ ب؛ تصحیح مهدی الرجائی، التذکره فی الانساب المظهره (قم: مکتبه آیت الله المرعشی، ۱۴۲۱ هجری)، ۲۰۲: دیگری هم چاپ عکسی آن نسخه است). اما این دو نسخه به نوبه خود ظاهراً فاقد بسیاری از مطالب اساسی آن اثر هستند. بنابراین بر پایه این جستجو و ملاحظه، نمی‌توان درباره صحت خبر در نسخه آستان قدس به شماره ۳۶۲۶ قضاوت کرد.

۶۶. ابن شدقم، زهرة المقول، تصحیح محمدصادق آل‌بحرالعلوم (نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ هـ / ۱۹۶۱ م)، ص ۷۶.

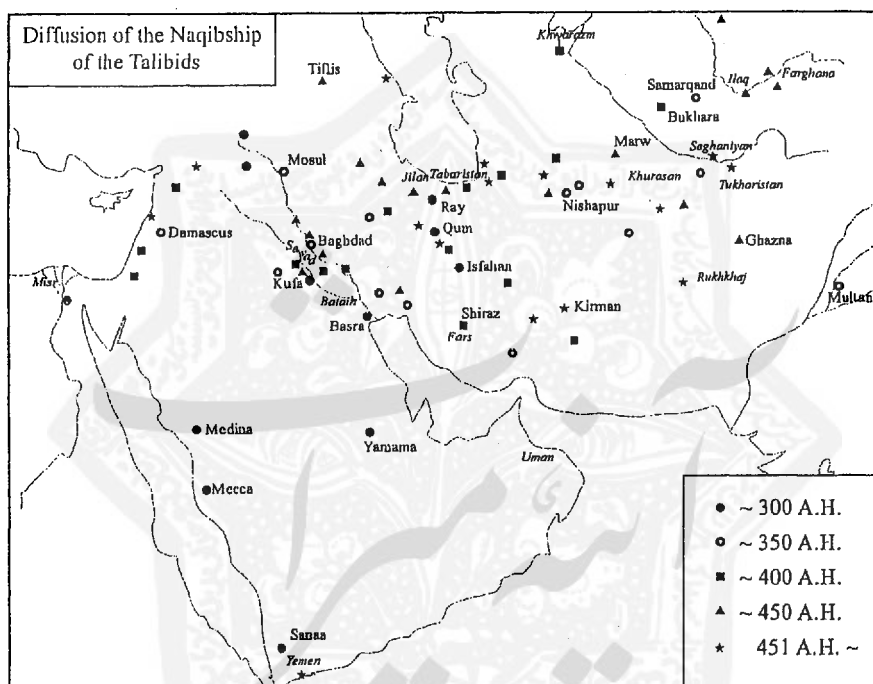
۶۷. مجدی، ۱۷۱.

۶۸. به این لحاظ، آغاز غیبت امام دوازدهم مذهب شیعه دوازده امامی و در نتیجه تثبیت سکون و خاموشی این فرقه در سال ۸۷۴ قابل توجه است. آیا این امر یک تقارن صرف است یا اینکه می‌توانیم در پس این دو پدیده شاهد تغییری مهم و معنی‌دار در وضعیت کلی محیط زندگی طالبی‌ها باشیم؟

69. Although a "heuristic" work, see Bulliet, *conversion*. See also Michael G. Morony's concise

review of the research trend in "The Age of Conversions: A Reassessment," in Michael Gervers and Ramzi Jibran Bikhazi eds., *Conversion and Continuity* (Toronto: Pontifical Institute of Mediaeval Studies, 1990), 135f.

۷۰. c: حمزه ابویعلی بن احمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی (۵۵) / لباب، ۵۴۱ (تهذیب، ۲۹۵؛ مجدی، ۲۹۵؛ شجرة، ۱۹۲؛ فخری، ۱۷۵).: الحسن بن محمد بن عبدالله بن محمد بن الحسن بن الحسن بن علی (۵۷) / شجرة، ۴؛ فخری، ۸۶، ۲۲۸ (سر، ۸؛ تهذیب، ۳۵؛ مجدی، ۴۰).
۷۱. c: محمد ابوالهاشم بن جعفر بن عیسی بن علی بن الحسن بن علی بن الحسن بن علی (۵۷) / فخری، ۷۸ (سر، ۷۴؛ تهذیب، ۲۴۴؛ شجرة، ۱۶۵).
۷۲. میافارقین زمانی به عنوان حوزه قضایی ظاهر می‌شود که همراه با آبه یا نصیبین باشد، نه به تنهایی.
۷۳. c: الحسن بن القاسم بن علی بن اسماعیل بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۵۷) / سر، ۲۸ / این ترتیب انحرافی است از الحسن ابوعبدالله بن القاسم بن علی بن القاسم بن علی بن اسماعیل بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۵۹) (لباب، ۶۴۵؛ شجرة، ۶۹؛ فخری، ۱۶۳، ۲۱۷، ۲۲۳). نگاه کنید به تهذیب، ۱۴۱؛ شجرة، ۶۸؛ فخری، ۱۶۳.
۷۴. c: اسحاق ابویعقوب بن جعفر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی (۵۶) / تهذیب، ۲۹۸؛ شجرة، ۱۹۴ (سر، ۹۸؛ مجدی، ۲۷۲؛ فخری، ۱۷۶). گفته شده که در حکومت عضدالدوله (حکومت در عراق ۳۶۷/۹۷۸-۳۷۲/۹۸۳) نقیب بوده، ولی در واقع نوۀ او چنین بوده است (نگاه کنید به مجدی، ۱۲۵، ۱۷۶، ۲۷۳).
۷۵. c: محمد ابوالحسن بن احمد بن محمد بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن علی بن الحسن بن علی (۵۹) / لباب ۴۹۶ (تهذیب، ۲۵۷؛ مجدی، ۲۱۶؛ شجرة، ۱۷۳؛ فخری، ۸۰).
۷۶. c: محمد ابوالحسن بن احمد بن محمد بن احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن الحسن بن علی (۵۹) / لباب، ۵۴۹ (سر، ۱۷؛ تهذیب، ۷۹؛ شجرة، ۳۱؛ فخری، ۱۱۲).
۷۷. این شامل مشهد (الرضوی، الرضا، طوس) هم می‌شود.
۷۸. c: القاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر (۵۳) / شجرة، ۲۱۱ (تهذیب، ۳۴۸؛ مجدی، ۲۹۸؛ فخری، ۱۹۰).
۷۹. c: علی ابوالحسن بن الحسن بن علی بن الحسن بن جعفر بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی (۱۰) / تهذیب، ۱۶۲؛ مجدی، ۱۱۱؛ منتقلة، ۳۱۱؛ شجرة، ۹۳؛ فخری، ۱۸. نقیب (یا نقیب النقباء) مدینه در منابع ذکر شده جز مجدی، که در این هم گفته شده که او عهده‌دار این نهاد در وادی القری بوده است. در شجرة «الامیر بوادی القری، ثم صار نقیب النقباء بالمدينة».
۸۰. c: احمد ابوالقاسم بن محمد بن اسماعیل بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی (۵۶) / منتقلة، ۹۷، ۱۴۳ (تهذیب، ۱۴۱؛ مجدی، ۳۴؛ شجرة، ۷۱، ۷۲؛ فخری، ۱۶۱).
۸۱. این می‌تواند بخشی از حوزه قضایی پُست بوده باشد.
۸۲. این می‌تواند بخشی از حوزه قضایی جرجان بوده باشد.



دوره جدید سال پنجم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۶ (پیاپی ۳۶، ۳۷).